

بررسی و تحلیل اثر فضای مجازی و نظام حقوقی بر قتل های خانوادگی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۵/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۱۲/۱۲)

سحر زمردی فرد

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده

تحولات اخیر جامعه جهانی با توجه به بروز رسانه های ارتباط جمعی باعث به وجود آمدن و گسترش رسانه های جمعی و فضای مجازی و شبکه های اجتماعی شده است. به طور کلی فضای مجازی علاوه بر تاثیرات مثبتی که در ساده سازی ارتباطات مردمی دارد، دارای اثرات مخرب و تاثیرات منفی فراوانی است. تاثیرات نامحسوس و ناملموسی که در آموزشهای پنهان رسانه ای وجود دارد، در کنار بستر قوانین و نظام حقوقی ایران و همچنین وجود اختلافات خانوادگی توأم با مشکلات اقتصادی باعث تشدید پدیده قتل های خانوادگی شده است. قتل های خانوادگی به سبب اینکه در نتیجه تنش و درگیری دو یا چند عضو خانواده به وجود می آید، ویران کننده این کانون می باشد. از منظر جرم شناسان، قتل های خانوادگی، علاوه بر تلف شدن قربانی، عوارض و عواقب سنگینی بر جامعه، خانواده قربانی جرم و متهم می گذارد. سؤال اساسی این است که بر اساس روایت قاتلان، چه عواملی وقوع قتل های خانوادگی را شکل داده است؟ روایت افراد دخیل در قتل های خانوادگی، از چرایی و چگونگی وقوع این پدیده چیست؟ بر اساس روایت قاتلان، وقوع قتل های خانوادگی، چه پیامدهایی به همراه دارد؟ پیشینه تحقیق مطالعات و پژوهش های متنوعی در زمینه بسترها، زمینه ها و عوامل وقوع قتل صورت گرفته که عمدتاً به توصیف این پدیده و نیز بررسی عوامل و پیامدهای آن پرداخته اند؛ همچنین ساختار نظام حقوقی ایران علاوه بر مزایا و اثرات مثبت حقوقی که در جامعه دارد، دارای خلاءهایی اساسی بوده است، به نحوی که این خلاءها زمینه به وجود آمدن جرایم بسیاری را رقم

میزنند. نظریه ذهن محاسبه گر مجرمانه و عقلانیت کیفری جرمی بنتام توضیح دهنده علت ارتکاب جرایم در اثر وجود خلاءهای قانونی در ساختار حقوقی ایران بوده است. به طور کلی بیان میدارد که هر مجرم برای ارتکاب جرم، عواید ناشی از جرم را به همراه مجازاتها و دردهای در آینده مورد محاسبه عقلانی قرار داده و در نهایت تصمیم گیری میکند که جرم مورد نظر را انجام بدهد یا از آن منصرف گردد. بستری که ذهنیت مجرمانه در آن به محاسبه درد و لذت ناشی از جرم میپردازد، ساختار نظام حقوقی و قوانین کیفری کشور میباشند. بنا بر این نظریه، قوانین و مجازاتهای قانونی، نیمه دیگر این محاسبه گری و عقلانیت کیفری بوده و در به وجود آمدن و همچنین ممانعت از جرایم نقش به سزایی دارند. تدوین قوانین کیفری مناسب میتواند زمینه ارتکاب بسیاری از جرایم را از بین برده و یا فراهم نماید.

واژگان کلیدی: قتل های خانوادگی، فضای مجازی، جرمی بنتام، مکتب کلاسیک، عقلانیت کیفری، ذهنیت مجرمانه محاسبه گر، پیشگیری از جرایم، قوانین کیفری

بخش اول: کلیات

به طور کلی میتوان بیان نمود که ریشه قتل‌های خانوادگی را دو موضوع مهم و موثر میتوان جستجو نمود. موضوع اول فضای مجازی است و موضوع دوم بستر قوانین در نظام حقوقی ایران است. یکی از انواع قتل‌هایی که بیشتر در جوامع سنتی مثل کشور ما به وقوع می‌پیوندد و ریشه در عوامل روانشناختی، فرهنگی و اجتماعی مختلف دارد، قتل ناموسی است. این گونه قتل‌ها که از آن‌ها به عنوان فاجعه خاموش نام برده می‌شود، علل مختلفی دارند، یک نمونه بارز آن قتل دختر ۱۳ ساله تالشی به دست پدرش در روزهای اخیر است. آنچه که در بین عوامل ایجاد کننده قتل‌های ناموسی مثل اتفاق تلخ اخیر باید مورد توجه قرار گیرد، اختلالات روانی و رفتاری در برخی از اعضای خانواده‌هاست که به راحتی توسط خانواده قابل شناسایی و تشخیص نیست و ممکن است یک اختلال رفتاری در خانواده بدون

اینکه مهم تلقی شود، به مرور زمان منجر به بروز رفتارهای خشن و عصبی در اعضای خانواده شود. گاهی برخی از رفتارها همانند خشمها و عصبانیت‌های کنترل نشده، واکنش‌های تند و عصبی و یا گوشه‌گیری ممکن است از نظر خانواده طبیعی به نظر برسد، اما همین حالت‌ها به مرور زمان و در صورت عدم مداخلات روانشناسی از این قابلیت برخوردار هستند که به یکباره باعث خشونت و حتی قتل‌های ناموسی شوند. نداشتن مهارت مواجهه با مشکلات و حل مسائل و نبود آموزش و فراگیری مهارت‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی از جمله مسائلی است که منجر به خشونت، نزاع، درگیری و در نهایت قتل می‌شود. متأسفانه عدم آشنایی و برقراری ارتباط اکثر مردم کشورمان با روانشناسان و روانپزشکان افزایش قتل‌های خانوادگی را دامن زده است. به این نکته باید توجه داشت که ساختار تکاملی جنسیتی به‌گونه‌ای شکل گرفته که نیاز به قدرت در جنسیت مردانه بارزتر است، در طول تاریخ، منبع قدرت، شکار، جایگاه‌های بالای اجتماعی در دست مردان بوده است و این ویژگی به عنوان یک ساختار تکاملی در مردان شکل گرفته و در جوامع امروزی نیز تلاش‌های زیادی در جهت برآورده شدن آن از سوی مردان صورت می‌گیرد. یکی از حوزه‌هایی که می‌تواند در راستای پاسخ به این نیاز عمل کند، حوزه اجتماعی و شغلی است و حوزه دیگر، وابستگی و نیاز به حمایت زنان و دختران خانواده به مردان است، به این معنا که مرد احساس کند زنی را مورد حمایت خود قرار داده است، حال اگر مرد این احساس را داشته باشد که حس قدرت او در جامعه و در ساختارهای اجتماعی به صورت کامل ابراز نمی‌شود، خانواده و اصطلاحاً ناموس را تنها جایی برای ابراز احساس قدرت خود می‌بیند. چنین مردانی با نیازهای سرکوب شده قدرت، زمانی که احساس می‌کنند ناموس از قدرت تکاملی و نرینه مرد خارج می‌شود، با خشونت‌بارترین ابزار ممکن دست به حمله برده و فاجعه‌ای به اسم قتل ناموسی اتفاق می‌افتد. از سوی دیگر در رویکرد پاتولوژیک به مسئله، بسیاری از افرادی که دست به انجام قتل‌های ناموسی می‌زنند، افرادی دارای اختلالات روانشناختی از جمله افراد دارای اختلال شخصیت پارانویا، اختلال هذیانی، اختلال دوقطبی و افراد سایکوپات با مشکل در کنترل تکانه خشم هستند. گاه این افراد حتی به صورت هذیانی فکر می‌کنند که دیگران به اعضای خانواده و به ویژه زنان، دختران و خواهران آن‌ها نظر جنسی دارند، در حالی که در واقعیت چنین چیزی وجود ندارد. اختلالات شخصیتی به صورت احساس پوچی و تنهایی و عدم بلوغ عاطفی اعضای خانواده باعث می‌شود افراد از

توان کنترل هیجان‌ات خود برخوردار نباشند، این گونه حالت‌های هیجانی شدید به خصوص در مردان منجر به بروز رفتارهای خشنی می‌شود که فرد بعد از ارتکاب دچار پشیمانی هم می‌شود، چنین رفتارهایی در مردان در مقایسه با زنان بیشتر است. مصرف مواد مخدر و محرک‌هایی همچون شیشه و انواع مواد محرک با ایجاد توهم زمینه ساز نیز باعث بروز ناهنجاری‌های رفتاری در خانواده می‌شود که گاه این توهم ناشی از مخدرها به قتل‌های خانوادگی و ناموسی ختم می‌شود که نمونه‌های آن در سال‌های اخیر کم نبوده است. به لحاظ اجتماعی هم باید این موضوع را در نظر گرفت که در یک جامعه سنتی، شرف و پاکدامنی زن تنها به خودش تعلق ندارد، بلکه آن را سرمایه مشترک و همگانی اعضای خانواده، فامیل و قبیله می‌دانند. در این جامعه، فرد به رسمیت شناخته نمی‌شود؛ بلکه همه عضو خانواده، بزرگ قبیله یا دودمان یا کاروان هستند و هر عملی، چه خوب و چه زشت از اعضای آن سر بزند، بر سایر اعضای خانواده، فامیل و خویشاوندان نیز تأثیر می‌گذارد. موضوع دیگر مرتبط با قتل‌های ناموسی در برخی از مناطق ایران، حمایت افکار عمومی آن منطقه از قاتل است و در برخی موارد فرد قاتل حتی قهرمان خوانده می‌شود، البته چنین نگاهی به قاتل می‌تواند از هر فرد پرورش یافته در این مناطق یک قاتل بالقوه بسازد. نیاز است که رسانه‌های تأثیرگذار آزادانه در این گونه ماجراها ورود کنند و به جنبه‌های روانی، خانوادگی، جامعه‌شناختی و حتی حقوقی این مسأله بپردازند و مردم را نسبت به چنین اتفاقاتی آگاه‌تر کنند و مبدأ گفت‌وگوی اجتماعی فراگیری درباره این پدیده باشند و ابعاد این گونه قتل‌ها در کشورمان را روشن کنند. در کنار آن نظام آموزش و پرورش ما نیز در قبال بروز چنین مسائلی مسئولیت بپذیرد. معلمان و مدیران مدرسه بیشتر به وضعیت روحی و روانی نوجوانان نظر داشته باشند و نظام آموزشی کشور، آموزش‌های گسترده در سطح ملی برای مهارت مدیریت عواطف و احساسات انسانی نوجوانان در نظر بگیرند تا در سال‌های نه چندان دور، از بروز چنین اتفاقات تلخی پیشگیری شود. با توجه به بررسی بسیاری از جرایمی در حوزه حقوق ایران، در مواردی میتوان به نقش مکمل بودن قوانین کیفری در به وجود آوردن زمینه جرایم و یا ممانعت از به وجود آوردن جرایم پی برد. قوانین کیفری بستر و زمینه اولیه برای انتخاب عقلانی مجرم برای تصمیم‌گیری در مورد جرم میباشند. قوانین کیفری به همراه اجرای آنها و پارامترهای مرتبط با اجرای قانون در کشور ایران، یکی از مهمترین و موثرترین عناصری است که در ارتکاب یا عدم ارتکاب

جرم توسط مجرمین بالقوه نقش دارند. میزان مجازات هر جرم در قانون کیفری و مجازات ایران، به همراه اجرایی شدن قوانین جزایی و کیفری و چگونگی این اجرا از لحاظ، سرعت در رسیدگی، سرعت و حتمیت و قطعیت در رسیدن به مجازات، شدت مجازات از عمده ترین عواملی بوده اند که در ذهن مجرم بالقوه، اثرگذاری داشته و در فرایند تصمیم گیری، وی را همراهی مینمایند. به عنوان مثال در مورد پرونده قتل رومینا اشرفی^۱ وقتی از پدر وی پرسیده میشود که چرا بهمن خاوری^۲ را نکستی و دختر خودت را کشتی؟ در پاسخ میگوید که اگر بهمن خاوری را میکشتم قصاص میشدم، پس دختر خود را کشتم تا قصاص نشوم. در همین جمله ساده میتوانیم نظری جرمی بنتام در مورد ذهنیت محاسبه گر مجرمانه را به وضوح ببینیم. همه مجرمین دارای عقلانیت کیفری میباشند. اکثر آنان برای ارتکاب جرم، دست به محاسبه بر اساس قوانین کشور میپردازند. به طور واضح میتوان به اثر چند ماده قانونی در مورد ارتکاب به جرم توسط پدر رومینا اشرفی، پی برد. ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی^۳ مصوب ۱۳۹۲، ماده قانونی است که زمینه ارتکاب جرم توسط پدر رومینا اشرفی را به وجود آورده است. مواد دیگر در مورد قتل مثل ماده ۲۹۰ ق.م.ا. ۱۳۹۲ و سایر مواد مشابه از جمله موادی از قانونی میباشند که مانع از ارتکاب جرم پدر رومینا اشرفی در مورد بهمن خاوری بوده است. همانطور که مشاهده میگردد، گویی یک حقوق دان با محاسبه اقتصادی جرم، دست به ارتکاب قتل دختر زده است و از ارتکاب قتل پسر متجاوز سر باز زده است. به عبارتی مجرمین در فرآیند تصمیم گیری مجرمانه تبدیل به حقوق دانان و اقتصاد دانانی میگردند و این عقلانیت کیفری آنان در انتخاب و تصمیم گیری آنان نقش مهم و موثری دارد. اکنون میخواهیم این ذهنیت محاسبه گر و عقلانیت کیفری را با توجه به قوانین جزای کشور ایران در مورد قتل‌های خانوادگی تحت تاثیر فضای مجازی مورد بررسی قرار داده و به این مهم پی بریم که علت بسیاری از جرایم خشنی که در کشور ایران به وقوع میپیوندند، ریشه در دو موضوع عمده دارد که یکی فضای مجازی و دیگری

۱ رومینا اشرفی دختر بچه ۱۳ ساله تالشی بود که توسط پدر در حالی که خواب بود به قتل رسید. پدر وی با داس سر فرزند خود را جدا میکند و در نهایت خشونت وی را به قتل میرساند.

۲ بهمن خاوری جوان ۲۸ ساله تالشی بود که با رومینا اشرفی ارتباط نامشروع داشته است.

۳ ماده ۳۰۱ ق.م.ا. ۱۳۹۲: قصاص در صورتی ثابت میشود که مرتکب، پدر یا از اجداد پدری مجنی علیه نباشد و مجنی علیه، عاقل و در دین با مرتکب مساوی باشد.

خلاءهای قانونی داشته است.^۱ (رضایی، ۱۳۹۹)

بند اول: اهمیت و ضرورت پژوهش

از آنجایی که در جامعه کشور ایران، میزان بزهکاری و جرایم در هر شکل (چه جرایم خشن و چه جرایم یقه سفید) رقمی بالا بوده است و با توجه به اینکه اکثر مجرمینی که مرتکب جرایم گوناگون میگردند، ذهنیت محاسبه گر داشته و با اهرم عقلانیت کیفری، تصمیمی گیری کرده و بعد جرم را مرتکب میگردند، لازم است نگاهی انتقادی به حوزه قوانین و ابعاد مرتبط با قوانین جزایی کشور داشت تا بتوان با اصلاح قوانین جزایی، در ارتکاب بسیاری از جرایم ممانعت به عمل آورد. با توجه به اینکه در مورد نظریه آقای بنتام، عموماً پژوهشی که به زمینه های انتخاب عقلانی مجرمین پرداخته باشد، تاکنون وجود نداشته است، همچنین با توجه به اینکه فضای مجازی و رسانه های جمعی و شبکه های اجتماعی تاثیرات مخرب فراوانی در مورد ایجاد جرایم خشن درون خانواده شده و منجر به وقوع قتل‌های خانوادگی میشوند، لذا این پژوهش دارای اهمیت بوده و میتواند نگاهی جدید را عرصه قانون گذاری و اجرای قوانین و قانون گذاری در مورد فضای مجازی داشته باشد.

بند دوم: هدف و سوالات تحقیق

هدف اصلی این تحقیق عبارتست از شناسایی اثراتی که فضای مجازی و ساختار و نظام حقوقی ایران بر روی ذهنیت و عقلانیت کیفری مجرمین گذارده و آنها را در ارتکاب جرایم خشنی چون قتل های خانوادگی همراهی مینماد. سوال اصلی این است که؛ فضای مجازی و ساختار نظام حقوقی ایران چه اثراتی بر عقلانیت کیفری مجرم در جرم قتل خانوادگی داشته و در پیشگیری از جرم موثر میباشند؟

بند سوم: فرضیه تحقیق

به نظر میرسد فضای مجازی و ساختار نظام حقوقی کشور ایران و قوانین جزایی و کیفری آن، یکی از عوامل مهم در تصمیم گیری با توجه به عقلانیت کیفری مجرم و ذهنیت محاسبه گر وی میباشند و این ساختار در ارتکاب جرایم خشن خانوادگی و قتل های خانوادگی و ممانعت از آنها نقش بسزایی دارد.

۱ رضایی شورکی، طیبیه، ۱۳۹۹، بررسی عقلانیت کیفری مجرمین بر اساس نوع جرم و بزهکاران در نظام حقوقی ایران، مجله تحقیقات حقوق قضایی، دوره اول.

بخش دوم: مبانی نظری و مفهوم شناسی

با توجه به اینکه موضوع این پژوهش بررسی تاثیر فضای مجازی و ساختار نظام حقوقی بر قتل‌های خانوادگی است و با توجه به اینکه فضای مجازی و همچنین ساختار نظام حقوقی به طور کلی تاثیر مستقیم بر عقلانیت کیفری می‌گذارد و جرایم خشن و قتل‌های خانوادگی را خلق می‌کند، لذا لازم به نظر می‌رسد که ابتدا ریشه عقلانیت کیفری را که زمینه ساز تاثیر گذاری فضای مجازی و ساختار نظام حقوقی بر وقوع قتل‌های خانوادگی است مورد شناسایی و تعریف قرار گیرد.

مکتب کلاسیک : یکی از اولین مکاتب حقوقی جزایی کیفری بوده است که در ایجاد تحولات کیفری نقش بسزایی داشته است. از اندیشمندان و پایه گذاران این مکتب حقوقی میتوان به منتسکیو^۱، ژان ژاک روسو^۲، سزار بکاریا^۳، جرمی بنتام^۴ اشاره نمود. مطالعه دقیق تاریخ حقوق جزا نشان می‌دهد که حقوق جزا هم مانند سایر بخش‌های علم حقوق راه توسعه و تکامل خود را تحت تاثیر تحولات اجتماعی و توسعه‌های علمی پیموده است. ولی در این میان سهم و تاثیر عقاید و افکار فلسفی اواخر قرن ۱۸ میلادی از هر عامل دیگری بیشتر بوده است. به این دلیل بعضی از حقوق دانان کیفری مبدا پیدایش مکتب کلاسیک حقوق جزا را به زمان انتشار کتاب روح قوانین منتسکیو به سال ۱۷۴۸ میلادی می‌دانند و او در این کتاب مجازات‌های آن عهد را که از انتقام اجتماعی الهام می‌گیرد به شدت مورد انتقاد قرار داده است و در مورد ارزش نسبی قوانین جزایی سخن گفته است. به طوری که قوانین و مقررات جزایی هر کشور بایستی با نهادهای اجتماعی و تحول موسسات سیاسی و اجتماعی همان ملت متناسب و هماهنگ باشد و با مجازات‌های شدید و رسوا کننده مخالفت می‌کند و معتقد به مجازات‌های ملایم و اجرای حتمی و قطعی آنهاست.^۵ (مصطفی زاده، تاریخ تحولات حقوق کیفری، ص ۲۳)

۱ شارل دو منتسکیو ۱۶۸۹-۱۷۵۵ فرانسه.

۲ ژان ژاک روسو Jean-Jacques Rousseau ۱۷۱۲-۱۷۷۸ ژنو.

۳ چزاره بکاریا ایتالیایی Cesare Beccaria ؛ ۱۵ مارس ۱۷۳۸ - ۲۰ نوامبر ۱۷۹۴

۴ جرمی بنتام Jeremy Bentham ۱۷۴۸-۱۸۳۲ فیلسوف، حقوقدان و اصلاح‌گر اجتماعی انگلیسی بود. او به عنوان

بنیانگذار سودمندگرایی مدرن شناخته می‌شود

۵ مصطفی زاده، فهیم، ۱۳۹۵، تاریخ تحولات حقوق کیفری، ص ۲۳

اندیشمند بعدی در مکتب کلاسیک ژان ژاک روسو بود. در ۲۸ ژوئن ۱۷۱۲ در ژنو به دنیا آمد. کتابهای او هلوئیز جدید، امیل و قرار داد اجتماعی است. به اعتقاد روسو، انسان ذاتاً آزاد از قید و بندهای اجتماعی است زیرا آزاد به دنیا آمده اما چون بناچار در اجتماع زندگی می کند اختیارات خود را به جامعه طبق پیمانی تفویض می کند که از آن جمله حق مجازات است و لذا اگر جرمی واقع شود جامعه است که مجازات می کند و نه فرد، لذا مجازاتها باید طوری باشد که فایده اجتماعی داشته باشد، البته روسو مجازاتهای شدید چون اعدام را نفی نمی کند اما در مجازات به خشونت زیاد اعتقاد ندارد.^۱ (ملک محمدی، نظریه های جرم شناسی، ص ۴۹)

اندیشمند دیگر در مکتب کلاسیک سزار بکاریا میباشد. بکاریا در ۱۵ مارس ۱۷۳۸ میلادی در میلان ایتالیا به دنیا آمده و بعد از بازدید از زندانهای میلان به امید نجات بی گناهی به مطالعه و تحقیق در نظام قانون گذاری کیفری پرداخت و پس از ده سال در سال ۱۷۶۴ کتاب کوچکی به نام جرائم و مجازاتها را نوشت که در سال ۱۷۶۶ در فرانسه منتشر شد و ظرف ۶ ماه هفت بار به چاپ رسید. به طور کلی اصول فکر بکاریا عبارتند از: الف - ضروری بودن مجازاتها: جامعه به قانون گذار طبق قرار داد اجتماعی قدرت می دهد. ولی این قدرت در هنگام تصویب قوانین باید به نفع جامعه توجه داشته باشد. امتیاز این کار جلوگیری از تکرار جرم مجرمان در آینده می باشد. او کیفری را درست می داند که بتواند آرامش اجتماع را تضمین کند و کیفری را که از حد لازم برای سلامت اجتماع بیرون رود نادرست است. ب - یقینی بودن و قاطعیت مجازات: به طوری که می نویسد این شدت کیفر نیست که از جرم پیشگیری می کند بلکه قطعی بودن یا حتمی بودن مجازات می باشد. و برای اینکه مجازات تاثیر خوبی داشته باشد کافی است که رنج حاصل از آن بیش از سودی باشد که از جرم عاید می شود پ - فایده اجتماعی مجازات: با توجه به اینکه نظم اجتماعی با ارتکاب جرم مختل شده است باید کیفری برای آن پیشبینی کرد، اما این مجازات باید اولاً فردی و ثانیاً حتمی و یقینی باشد تا فایده ای از آن عاید اجتماع شود. نتایج افکار بکاریا نیز بدین شرح میباشد: وی قانون گذار را به حذف مجازاتهای شدید فرا می خواند و بخصوص کیفر اعدام را در مورد جرائم عمومی مورد حمله قرار می دهد ولی در جرائم

۱ ملک محمدی، حمید رضا، نظریه های جرم شناسی فرانک پی ویلیامز، ۱۳۹۸، ص ۴۹

سیاسی آن را می پذیرد. بنابراین به نظر بکاریا مجازات اعدام حق نیست بلکه ستیز ملتی است علیه بزهکار به دلیل اینکه ملت نابودی او را ضروری می داند و چون به جلوگیری از ارتکاب جرم اهمیت می دهد اصلاح قوانین جزایی را پیشنهاد می کند. بعلاوه قبول حق عفو، الغای شکنجه، محدود کردن قدرت قضاوت را لازم می داند و در ضمن مجازاتها باید صریح و روشن بوده و به اطلاع عموم برسد و در واقع او از اولین کسانی بود که به ضرورت سودمندی مجازاتها نظر داشت. در نهایت پیشنهادات بکاریا نیز عبارتند از: الف- اصلاح قوانین: اصل قانونی بودن جرم و مجازاتها و در نتیجه محدود شدن اختیارات گسترده و خودکامه قضاوت و نیز برقرار شدن مجازاتهای ثابت. ب- شکل رسیدگی: وارد آوردن اتهام به طور مخفی یا شکنجه ممنوع است و جعل مدرک از ناحیه دولت و استفاده غیر اخلاقی رای اثبات بزهکاری باید متوقف شود. ج- در مورد محاکمه و رفتار با متهم: محاکمات باید با سرعت انجام شود و رفتار با مجرمان باید توأم با عطف و مهربانی باشد. تشریفات دادرسی باید به طریق اتهامی و علنی و تدافعی باشد. د- در مورد اجرای حکم و اصلاح مجرم: اگر در اعمال مجازاتها بیشتر از زندان استفاده شود برای جامعه و نیز جهت اصلاح مجرم مفید است پس باید برای اصلاح وضع زندانیها کوشید. در ضمن لازم به ذکر است که بکاریا از اشاعه دهندگان اندیشه جدایی حقوق کیفری از دین و حتی از اخلاق فردی است.^۱ (ملک محمدی، نظریه های جرم شناسی، ص ۵۱)

به طور کلی مکتب کلاسیک، اولین مکتب در حوزه حقوق کیفری بوده است که تحت تاثیر بسیار از مکتب اقتصادی هم دوره خویش بوده است. تا جایی که اصولی حقوقی برگرفته از این مکتب اقتصادی نیز همگی مبتنی بر اصول اقتصادی چون؛ آزادی اقتصادی، آزادی گرایی، اصالت فرد، اصالت مطلوبیت و فایده گرایی مبتنی بوده است. نگاه اقتصادی این مکتب حقوقی در قانون گذاری و ایجاد مجازاتهای متناسب و دربرگیرنده منفعت اجتماعی موثر بوده و همچنین اجرای قانون را متأثر گردانیده است.^۲ (رضایی، ۱۳۹۹)

جرمی بنتام: فیلسوف انگلیسی متولد ۱۷۴۸ و از پایه گذاران مکتب اصالت سودمندی است. بنتام هم مانند روسو معتقد به نفع اجتماعی مجازات می باشد و در کتاب خود به نام

۱ ملک محمدی، حمید رضا، نظریه های جرم شناسی فرانک پی ویلیامز، ۱۳۹۸، ص ۵۱
۲ رضایی شورکی، طیبه، ۱۳۹۹، بررسی عقلانیت کیفری مجرمین بر اساس نوع جرم و بزهکاران در نظام حقوقی ایران، مجله تحقیقات حقوق قضایی، دوره اول.

رساله ای در مورد مجازات‌ها و پاداش‌ها که در سال ۱۸۱۸ انتشار یافت و در تدوین قوانین کیفری پس از انقلاب فرانسه مفید بود، به مفید بودن کیفر به شرط ضرورت اشاره می‌کند. به عقیده او افراد را فایده جویی هدایت می‌کند و انجام جرم نیز به خاطر سود احتمالی است که مجرم آرزومند آن است و اما بزهکار با توجه به مجازات جرمی که قصد انجام آن را دارد به بررسی نفع و ضرر می‌پردازد و اگر کیفر به نحوی شدید ولی با اندیشه کامل بر ضرورت آن انتخاب شده باشد از انجام جرم خودداری می‌کند. او در حالی که سخت به اجرای مجازات پایبند است، اضافه می‌کند که هیچ مجازاتی نباید نسنجیده اجرا شود و برای اینکه همگان از آن پند بگیرند، باید از نظر شدت و حتمیت و سایر جهات به درجه ای باشد که سودمندی و ضرورت آن را تضمین کند و در واقع پیشگیری از ارتکاب جرم کند. بنام برای کیفر دو ارزش قائل می‌شود: ارزش ظاهری و ارزش واقعی، ارزش ظاهری رنج احتمالی است که حسب توصیف کیفر یا دیدن اجرای آن در تصور عموم انسانها نقش می‌بندد ولی ارزش واقعی رنج کامل کیفر است، تمام رنجی است که در اجرای کیفر احساس می‌شود. تحت تاثیر مجموعه عقاید و افکار این دانشمندان، در اواخر قرن ۱۸ میلادی در فرانسه نهضت اصلاح طلبی در قوانین جزایی شروع شد. زندان‌های قدیم پاریس منهدم شدند، مردم خواستار تجدید نظر و اصلاح قوانین جزایی و حذف مجازات‌های شدید آن عهد شدند. همچنین در قانون جزایی انقلابی سال ۱۷۹۱ فرانسه نیز اصول مهمی چون برقراری اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها، اصل تساوی مجازات‌ها و برقراری سیستم مجازات‌های ثابت برای جلوگیری از خودکامگی قضاوت، حذف عفو پادشاه، الغای مجازات‌های شدید بدنی و سلب آزادی، محدودیت مجازات اعدام و ملایمت در مجازات‌ها، برقراری سیستم دادرسی به روش اتهامی در محاکمات و امکان حضور هیات منصفه در جریان دادرسی و پیش بینی و تصویب شد. ولی این اصلاحات علی‌رغم امیدها و انتظارات تدوین‌کنندگان آن در عمل نتایج مطلوبی به بار نیاورد.^۱ (مصطفی زاده، تاریخ تحولات حقوق کیفری، ص ۳۳)

ذهنیت محاسبه گر مجرمانه: نظریهٔ گزینش حسابگرانه که ریشه در اصول علم اقتصاد دارد، بر این باور است که افراد به‌سان تاجران اقتصادی، در رفتارهای خود در بسترهای مختلف به دنبال کسب حداکثر سود هستند. تبلور این نظریه در قلمرو حقوق کیفری

۱ مصطفی زاده، فهیم، ۱۳۹۵، تاریخ تحولات حقوق کیفری، ص ۳۳

موجب شکل‌گیری این ایده می‌شود که تصمیمات جنایی محصول نهایی تفکر بزهکاران بالقوه است. از این رو بزهکاران با تحلیل‌های هزینه- فایده و کسب حداکثر سود در قبال کم‌ترین هزینه‌ها، به‌سوی پدیده‌های مجرمانه روی می‌آورند. در این رویکرد، بزهکاران به‌مثابه کنش‌گران اقتصادی، با سامان‌دهی تصمیمات خویش، در پی آنند تا با ارتکاب جرم به بیشترین لذت دست یابند.^۱ (الهام، دانش ناری، ۱۳۹۳)

نظریهٔ گزینش حسابگرانه^۲ یکی از نظریاتی است که در پی تبیین و تحلیل کنش‌های رفتاری در بسترهای مختلف علوم انسانی است. در این بستر، انسان‌ها، کنش‌گرانی هستند که بر اساس اصالت سود و کسب حداکثر فایده، رفتارهای خویش را تنظیم می‌نمایند. راهبرد اصلی این نظریه، تکیه بر ساز و کارهایی است که حداکثر منافع را در قبال کمترین هزینه برای انسان‌ها به ارمغان آورد. این نظریه که ریشه در افکار اقتصاد دانان کلاسیک دارد، انسان‌ها را به‌مثابه کنش‌گران اقتصادی^۳ در نظر می‌گیرد. در این مفهوم، انسان در پی انجام رفتاری است که منافع بیشتری را برای وی به همراه داشته باشد. بر اساس اصول کلی این نظریه، تمامی انسان‌ها موجوداتی هدفمند هستند و سلیق خود را بر اساس درجهٔ اهمیت، رتبه‌بندی می‌نمایند. از طرفی بهترین گزینش، زمانی حاصل می‌شود که راهبرد اتخاذی منجر به حداکثر سود شود، اصل حداکثر سود و حداقل هزینه متأثر از علم اقتصاد در دیگر رشته‌های علوم انسانی از جمله علوم سیاسی، علوم اجتماعی، جغرافیا، حقوق و... نیز مطرح می‌گردد. ژرمی بنتام^۴ فیلسوف انگلیسی بر اساس نظریهٔ اصالت لذت، نظریهٔ گزینش حسابگرانه را در قلمرو حقوق کیفری مورد بررسی قرار داده است. بر اساس نظریهٔ بنتام که ریشه در جرم‌شناسی کلاسیک^۵ دارد، بزهکاران با توجه به رویکردهای هزینه- فایده^۶ روی به سوی پدیده‌های مجرمانه می‌آورند. بر این اساس چنانچه بزهکاران، منافع حاصل از

۱ الهام، غلامحسین، دانش ناری، حمید رضا، ۱۳۹۳، تاملی بر نظریه گزینش حسابگرانه بنیانها و قلمرو، دوفصلنامه علمی تخصصی تحول در علوم انسانی

۲ Rational choice theory

۳ Economical actors.

۴ Gerny Bentham.

۵ Classic criminology.

۶ Cost-benefit approaches.

ارتکاب جرم را بیشتر از هزینه‌های آن برآورد نمایند، به‌سوی ارتکاب جرم سوق پیدا می‌کنند و در نقطه‌ی مقابل چنانچه هزینه‌های حاصل از ارتکاب جرم بیشتر از منافع آن باشد، از ارتکاب جرم انصراف می‌دهند. بنابراین بر اساس این نظریه، بزهکاران به‌مثابه کنش‌گران اقتصادی در پی به دست آوردن حداکثر سود در قبال کم‌ترین هزینه می‌باشند. بر اساس افکار بنتام و پس‌از آن، گاری بیکر^۱ اقتصاددان قرن هفدهم، بزهکار فردی است هدفمند و ورود وی به دنیای مجرمیت جهت کسب حداکثر سود است. پیش‌فرض بنیادین در این نظریه آن است که بزهکار با توجه به منافع و هزینه‌های حاصل از ارتکاب جرم، به‌سوی پدیده‌های مجرمانه حرکت می‌کند.^۲ (الهام، دانش ناری، ۱۳۹۳)

عقلانیت کیفری: نظریه انتخاب عقلانی در زمینه علوم جنایی که در این مقاله از آن به «عقلانیت جنایی» تعبیر می‌کنیم، به‌مثابه یک فراروایت، مسئله محاسبه‌گری را به‌تمامی بزهکاران تعمیم داده؛ به‌شکلی که همواره راهکار پیشگیری از وقوع جرم و پاسخ‌دهی مناسب به آن را افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم می‌داند. امروزه به‌علت بروز ناکارایی در رویکردهای مبتنی بر بازدارندگی، تردیدهای زیادی نسبت به پیش‌فرض بنیادین آن، یعنی نظریه انتخاب عقلانی نیز وارد شده است. با وجود این تردیدها به‌نظر می‌رسد که همچنان هسته مرکزی نظریه انتخاب عقلانی با منطق قانون‌گذاری کیفری در بسیاری از نظام‌های حقوقی گره خورده و این نظریه است که سیاست‌های کنترل جرم را هدایت می‌کند.^۳ (الله وردی، محرابی، ۱۳۹۸)

فضای مجازی: مجموعه‌ای از شبکه‌های ارتباط جمعی که در فضای اینترنت باعث تبادل اطلاعات و ارتباطات بین گروه‌های مردمی هستند و از این جهت باعث تأثیرات عمده در یک شبکه اجتماعی می‌شوند و باعث سرعت در ارتباطات و اطلاعات می‌باشند. این شبکه‌ها بدون نظارت در حال رشد و گسترش می‌باشند و بر اساس اینکه از هیچگونه فیلتری عبور نمی‌کنند باعث به وجود آمدن انتقال تجربیات بین انسانها می‌شوند. تجربیاتی که بدون آموزش صحیح باعث ایجاد فضای آموزشی غلط در انسانها می‌شوند و

^۱Gary bicker.

^۲الهام، غلامحسین، دانش ناری، حمید رضا، ۱۳۹۳، تاملی بر نظریه‌ی گزینش حسابگرانه بنیانها و قلمرو، دوفصلنامه علمی تخصصی تحول در علوم انسانی

^۳ الله وردی، فرهاد، محرابی، علی، ۱۳۹۸، «عقلانیت جنایی»؛ محدودیت‌ها و چالش‌ها (با تأکید بر جرائم خشونت‌بار)

ریشه بسیاری از نابسامانی های اجتماعی را رقم می زنند. ^۱ (الهام، دانش ناری، ۱۳۹۳)

قتل های خانوادگی : در حوزه قتل های خانوادگی با یک پیچیدگی روبه رو هستیم، چون در این جنایت ها یکی از اعضای خانواده عامل جنایت و عضو دیگر خانواده قربانی جنایت می شود. حال عوامل مختلفی دست به دست هم می دهند تا این جنایت ها رقم بخورد. فرزندکشی، والدین کشی، همسرکشی و خواهر و برادرکشی از مهم ترین قتل هایی است که در دسته قتل های خانوادگی قرار می گیرد. براساس پرونده هایی که به دادگاه ارسال می شود، زن کشی بیشترین آمار را در قتل های خانوادگی به خود اختصاص داده است. زنان قربانیان اصلی قتل های خانوادگی هستند و کمترین آمار مربوط به قتل مادر به دست فرزند است. ضربه چاقو و خفگی، مهم ترین روش ها در ارتکاب قتل های خانوادگی است. به دلیل این که جنایت در محیط خانه رخ می دهد، کارد آشپزخانه مهم ترین آلت قتاله است. مسائل ناموسی، سوءظن، اختلافات خانوادگی، اعتیاد و اختلافات مالی از جمله بر سر تقسیم ارثیه از مهم ترین انگیزه ها در ارتکاب قتل های خانوادگی است. متأسفانه طی سال های اخیر افزایش شبکه های ارتباط جمعی و مصرف موادمخدر روانگردان باعث شده سوءظن در میان زوجها و اختلاف بین والدین و فرزندان افزایش یابد و باعث قتل شود. قتل های خانوادگی اغلب در محیط خانه رخ می دهد و پلیس نمی تواند از وقوع آن جلوگیری کند. در این زمینه نیاز به کارهای فرهنگی برای پیشگیری است و دستگاه های مسئول باید اقدامات خود را برای شناسایی خانواده های آسیب پذیر آغاز کنند و خانواده ها نیز به موضوع اعتیاد توجه بیشتری داشته باشند. ناهنجاری های اجتماعی، پایبند نبودن به اصول اخلاقی و اعتقادات مذهبی و مشکلات اقتصادی، همگی از عواملی است که دست به دست هم می دهد و چنین جنایات فجیعی به بار می آورد. متأسفانه این روزها خانواده ها دیگر به اصول خاصی پایبند نیستند و خیلی از مسائل دیگر در نزد خانواده ها حرمت ندارد. ما علاوه بر این که مسلمان هستیم و در یک کشور اسلامی زندگی می کنیم، از فرهنگ و آداب و رسوم ریشه دار و متمدنی برخورداریم، اما متأسفانه دیگر هیچ یک از این مسائل حرمتی ندارد و مسائل غیراخلاقی و مشکلات اجتماعی به همراه مسائل اقتصادی که امروزه بشدت گریبانگیر

۱الهام، غلامحسین، دانش ناری، حمید رضا، ۱۳۹۳، تاملی بر نظریه گزینش حسابگرانه بنیانها و قلمرو، دوفصلنامه علمی تخصصی تحول در علوم انسانی

خانواده‌ها شده، دست به دست هم داده اند و جرقه‌ای کافی است تا جنایتی فجیع رقم بخورد. عواملی نظیر شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روحی و روانی و اعتیاد می‌توانند از عوامل جنایت‌های خانوادگی باشند. البته موضوع تقسیم ارث و مسائل مالی که معمولاً بین فرزندان یک خانواده بعد از فوت پدر و مادر به وجود می‌آید هم می‌تواند یکی از دلایل جنایت‌های خانوادگی باشد. زمانی فرزندان دست به جنایت علیه یکی از والدین می‌زنند که یا خودشان معتاد باشند و والدین پولی بابت خرید مواد مخدر به آنها ندهند یا والدین را از بین می‌برند تا زودتر به سهم خود از ارث و میراث دست یابند. برخی نیز بر اثر خشم لحظه‌ای مرتکب جنایت می‌شوند. در پرونده‌ای مردی بعد از جدایی از همسرش به دلیل کینه‌ای که از او به دل داشت، دست به انتقام عجیبی زد و فرزند مشترکشان را به قتل رساند. فضای مجازی هم نقش مهمی در روابط اعضای خانواده دارد و باعث می‌شود هر کدام از آنها با ورود به فضای مجازی ارتباط خود را با افراد خارج از خانواده و غریبه که اصلاً شناختی از هم ندارند، زیاد کنند و ارتباط درستی با اعضای خانواده نداشته باشند و از هم فاصله بگیرند. همین شکاف میان اعضای خانواده باعث می‌شود ارتباط عاطفی مناسبی میان آنها شکل نگیرد. کم‌کم عشق، علاقه و اعتماد میان آنها کمتر می‌شود و به سمت کینه و انتقام می‌رود. فضای مجازی در رفتار و شیوه زندگی افراد تغییراتی ایجاد می‌کند و باعث می‌شود آنها به سمت زندگی غیرواقعی که در سراب مجازی وجود دارد، بروند. متأسفانه در سال‌های اخیر استفاده بی‌رویه خانواده‌ها از ماهواره و الگوپذیری از فیلم‌های خارجی و ترکیه‌ای باعث فروپاشی خانواده‌ها شده است. فرهنگ و اخلاقیات آنها با شیوه‌ای که در این فیلم‌ها نمایش می‌دهند، متفاوت است. بنابراین برای کاهش جنایت‌های خانوادگی ابتدا باید خانواده‌ها شرایطی را فراهم بیاورند که آرامش روانی و مالی در زندگی‌شان فراهم شود. جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و جرم‌شناسان باید نشست‌های تخصصی و رایگان در اختیار عموم قرار دهند تا افراد بیشتری در این نشست‌ها شرکت کنند و از آن بهره‌مند شوند و راه و روش درست زندگی کردن را بیاموزند و با مشکلات کنار بیایند.^۱ (مصطفی زاده، تاریخ تحولات حقوق کیفری، ص ۳۳)

۱ مصطفی زاده، فهیم، ۱۳۹۵، تاریخ تحولات حقوق کیفری، ص ۴۸

بخش سوم: پیشینه تحقیق

در زمینه تحقیقات داخلی میتوان به تحقیقات بسیاری که در این زمینه وجود دارد، اشاره نمود.

رضایی شورکی در مقاله خود تحت عنوان بررسی نحوه اجرای مجازات‌ها جهت پیشگیری از جرم با توجه به ذهنیت محاسبه گر مجرمانه در ایران به بیان این مساله می پردازد و بیان میدارد که : مجازاتها و نحوه اجرای آنها از جمله عوامل مهم و موثر در پیشگیری از جرایم مختلف میباشد. مجازاتها با نقشی که معادله معروف مجرمانه جرمی بنام ایفا میکنند، در تصمیم گیری مجرمانه جهت ارتکاب جرم موثر هستند. میزان و شدت مجازاتها و نحوه اجرای آنها و میزان قطعیت و حتمیت در اجرای آنها از عواملی بوده است که در پیشگیریهای ثانویه و پیشگیری های ظاهری در جرم در مجرمین بالقوه بسیار اثرگذار بوده است. نظریه جرمی بنام در این باره به طور کلی بیان میدارد که هر مجرم برای ارتکاب جرم، عواید ناشی از جرم را به همراه مجازاتها و دردهای در آینده مورد محاسبه عقلانی قرار داده و در نهایت تصمیم گیری میکند که جرم مورد نظر را انجام بدهد یا از آن منصرف گردد. بستری که ذهنیت مجرمانه در آن به محاسبه درد و لذت ناشی از جرم میپردازد، قوانین کیفری کشور میباشد. بنا بر این نظریه، قوانین و مجازاتهای قانونی، نیمه دیگر این محاسبه گری و عقلانیت کیفری بوده و در به وجود آمدن و همچنین ممانعت از جرایم نقش به سزایی دارند. تدوین قوانین کیفری مناسب میتواند زمینه ارتکاب بسیاری از جرایم را از بین برده و یا فراهم نماید. قوانین و نحوه اجرای قوانین و مقررات به مثابه زمینه و بستری میباشد که مجرمین در محاسبات ذهنی و اقتصادی خود همواره بدانها توجه کرده و در تصمیم گیری و انتخاب عقلانی خویش، از آنها بهره میجویند و اعمال خویش را بر اساس محاسبات ذهنی که به صورت اقتصادی و حقوقی بوده است، بروز داده و دست به اقدامات میزنند. (رضایی شورکی، ۱۴۰۰)

رضایی شورکی در مقاله خود تحت عنوان بررسی عقلانیت کیفری مجرمین بر اساس نوع جرم و بزهکاران در نظام حقوقی ایران به بیان این مساله می پردازد و بیان میدارد که : عقلانیت کیفری یا ذهنیت محاسبه گر مجرمانه یکی از عواملی است که بر اساس نوع جرایم ارتكابی و بر اساس شخصیت متفاوت بزهکاران، کاملاً موضوعی متفاوت و متغیر میباشد.

جرمی بنام در قرن هجدهم میلادی در کشور انگلستان به خاطر متاثر بودن از پارادایم اقتصادی مکتب کلاسیک در جهان، نظریه حقوقی خویش را مبتنی بر اصول اقتصادی کرده و به مبحث ذهن محاسبه گر مجرمانه پرداخت. به طور کلی بیان میدارد که هر مجرم برای ارتکاب جرم، عواید ناشی از جرم را به همراه مجازاتها و دردهای در آینده مورد محاسبه عقلانی قرار داده و در نهایت تصمیم گیری میکند که جرم مورد نظر را انجام بدهد یا از آن منصرف گردد. بستری که ذهنیت مجرمانه در آن به محاسبه درد و لذت ناشی از جرم میپردازد، قوانین کیفری کشور میباشند. بنا بر این نظریه، قوانین و مجازاتهای قانونی، نیمه دیگر این محاسبه گری و عقلانیت کیفری بوده و در به وجود آمدن و همچنین ممانعت از جرایم نقش به سزایی دارند. تدوین قوانین کیفری مناسب میتواند زمینه ارتکاب بسیاری از جرایم را از بین برده و یا فراهم نماید. قوانین و نحوه اجرای قوانین و مقررات به مثابه زمینه و بستری میباشند که مجرمین در محاسبات ذهنی و اقتصادی خود همواره بدانها توجه کرده و در تصمیم گیری و انتخاب عقلانی خویش، از آنها بهره میجویند و اعمال خویش را بر اساس محاسبات ذهنی که به صورت اقتصادی و حقوقی بوده است، بروز داده و دست به اقدامات میزنند. (رضایی شورکی، ۱۳۹۹)

فریبا شایگان و مهدی یکتایی در تحقیق خود تحت عنوان بسترها، زمینه ها و عوامل وقوع قتل های خانوادگی در مورد تاثیر فضای مجازی بر وقوع قتل های خانوادگی بیان می دارند که: قتل های خانوادگی به سبب اینکه در نتیجه تنش و درگیری دو یا چند عضو خانواده به وجود می آید، ویران کننده این کانون می باشد. از منظر جرم شناسان، قتل های خانوادگی، علاوه بر تلف شدن قربانی، عوارض و عواقب سنگینی بر جامعه، خانواده قربانی جرم و متهم می گذارد. روش: پژوهش حاضر به دنبال روایت های قتل های خانوادگی است. این مقاله با رویکرد کیفی و روش تحلیل روایت مضمونی برای کشف و استخراج مقولات و مطالعه بسترها، زمینه ها و عوامل وقوع قتل های خانوادگی پرداخته، جامعه مورد مطالعه قاتلین قتل های خانوادگی بود که دستگیر شده و به قتل اعتراف کرده اند، حجم نمونه تا حد اشباع نظری بود که با ۱۶ نفر حاصل شد. روش نمونه گیری هدفمند و ابزار جمع آوری اطلاعات تحلیل فیلم های مصاحبه با قاتلین بود. روایی و پایایی مصاحبه ها از طریق کدگذاری توسط افراد دیگر و تطبیق آن با کدگذاری محقق به اثبات رسید. یافته ها: پژوهش نشان داد که مقوله های عمده ای از جمله مصرف انواع مواد مخدر به خصوص

موادمخدر توهم زا، عدم پابندی به ارزش های اخلاقی، مشکلات و آسیب های دوران کودکی، عدم وفاداری به تعهدات زندگی زناشویی، برخوردهای زننده و خشونت آمیز در خانواده، منجر به پیامدهای این مسیله یعنی قتل یکی از اعضای خانواده شده است. نتیجه: قاتلین این دسته از قتل ها، فاقد برخی مهارت های فردی - اجتماعی بوده و به سبب سرکوب عواطف و هیجانات دوران کودکی از نوعی حس انتقام جویی برخوردار بودند. وقتی فضای خانواده مناسب نباشد امکان واکنش های اعضای خانواده و بروز خشونت نسبت به یکدیگر از جمله قتل یکی از اعضای خانواده بوجود می آید. بنابراین سؤال اساسی این است که بر اساس روایت قاتلان، چه عواملی وقوع قتل های خانوادگی را شکل داده است؟ روایت افراد دخیل در قتل های خانوادگی، از چرایی و چگونگی وقوع این پدیده چیست؟ بر اساس روایت قاتلان، وقوع قتل های خانوادگی، چه پیامدهایی به همراه دارد؟ پیشینه تحقیق مطالعات و پژوهش های متنوعی در زمینه بسترها، زمینه ها و عوامل وقوع قتل صورت گرفته که عمدتاً به توصیف این پدیده و نیز بررسی عوامل و پیامدهای آن پرداخته اند؛ از جمله عبدالرحمانی و چگینی (۱۳۹۳) در «تحلیل جامعه شناختی قتل های سریالی زنان» به این نتیجه رسیده اند که وضعیت خانوادگی قاتل، نابسامان بوده و سطح تحصیلات اعضای خانواده و خود قاتل و منزلت شغلی قاتل و اعضای خانواده در حد پایینی قرار داشته و محل سکونت و در کل محیط اجتماعی وی به سبب وجود افراد ناباب، به میزان زیادی جرم خیز بوده است. خیانت یکی از زوجین (برقراری ارتباط نامتعارف جنسی با دیگران) و پابند نبودن به ارزش های اخلاقی و همچنین وفادار نبودن به تعهدات زندگی زناشویی، نقش مهمی در وقوع قتل های خانوادگی دارد: - مریم ۳۲ ساله، متأهل، فاقد سابقه کیفری و خانه دار میگوید: «همسرم بهم خیانت میکرد، دو سال بود ازدواج کرده بودیم. « عامل دوم شرایط علی را میتوان «کتک کاری، برخورد خشونت آمیز، تندخویی، بداخلاقی، بددهنی، توهین و ناسزا از سوی شوهر نسبت به همسر و فرزندان» دانست که نقش بسیار مهمی در وقوع قتل های خانوادگی دارد: - مریم ۳۲ ساله، متأهل، فاقد سابقه کیفری و خانه دار میگوید: «پدرم منو با چکش میزد. (شایگان و همکاران، ۱۴۰۰)

محمد جوانمرد و همکاران در پژوهش خود تحت عنوان تبیین جامعه شناختی قتل های خانوادگی به تاثیر فضای مجازی و ساختار نظام حقوقی بر وقوع قتل های خانوادگی می

پردازند و به طور کلی بیان می‌دارند که: قتل‌های خانوادگی جزئی از آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای خشونت‌بار که در جوامع در حال توسعه بیشتر از جوامع توسعه یافته است. قتل خانوادگی جزئی از قتل‌های محسوب می‌شود که در بین خویشاوندان سببی، نسبی و یا یکی از اعضای خانواده با انگیزه و زمینه‌های مختلفی رخ بدهد. بر این اساس هدف اصلی پژوهش حاضر تبیین جامعه‌شناختی قتل‌های خانوادگی که با استفاده از روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه درصدد پاسخ به سؤال پژوهش می‌باشد. حجم نمونه با استفاده از فرمول مورگان برابر ۱۹۴ نفر تعیین و روایی شاخص‌ها با آلفای کرونباخ تأیید گردیده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مسائل اخلاقی، فرهنگ انتقام‌جویانه، اختلافات ارثی - ملکی، مسائل ناموسی، ساختار مردسالاری خانواده، عرفی شدن خشونت، نظارت اجتماعی و بی‌اطلاعی از قوانین با قتل‌های خانوادگی رابطه معنی‌داری داشته و رابطه متغیر اختلافات زناشویی با قتل‌های خانوادگی معنی‌داری نبود. یافته‌های رگرسیونی نشان می‌دهد که ضریب تعیین برابر با ۰/۳۸ و ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۰/۴۲ است. (جوانمرد و همکاران، ۱۳۹۶)

الله وردی و محرابی در تحقیق خود در مورد انتخاب عقلانی و ذهنیت محاسبه گر مجرمانه می‌پردازند. به طور کلی آنان بیان میدارند که: نظریه انتخاب عقلانی در زمینه علوم جنایی که در این مقاله از آن به «عقلانیت جنایی» تعبیر می‌کنیم، به مثابه یک فراروایت، مسئله محاسبه‌گری را به تمامی بزهکاران تعمیم داده؛ به شکلی که همواره راهکار پیشگیری از وقوع جرم و پاسخ‌دهی مناسب به آن را افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم می‌داند. امروزه به علت بروز ناکارایی در رویکردهای مبتنی بر بازدارندگی، تردیدهای زیادی نسبت به پیش‌فرض بنیادین آن، یعنی نظریه انتخاب عقلانی نیز وارد شده است. با وجود این تردیدها به نظر می‌رسد که همچنان هسته مرکزی نظریه انتخاب عقلانی با منطق قانون‌گذاری کیفری در بسیاری از نظام‌های حقوقی گره خورده و این نظریه است که سیاست‌های کنترل جرم را هدایت می‌کند. ما در این نوشتار با رویکردی انتقادی، به دنبال توضیح محدودیت‌های نظریه انتخاب عقلانی در حوزه علوم جنایی بوده و برای انضمامی کردن بیشتر بحث بر جرائم خشونت‌بار تمرکز می‌کنیم. حوزه جرائم خشونت‌بار با وجود آنکه خود آماج اصلی سیاست و برنامه‌های برآمده از نظریه انتخاب عقلانی است، به خوبی می‌تواند محدودیت‌های این نظریه را بازنمایی کند. نتیجه نقد دقیق و همه‌جانبه «تلقی

رایج» از نظریه انتخاب عقلانی، بازخوانی «سیاست‌های رایج کنترل جرم» است. در پرتو این نقد و درک محدودیت‌هاست که خوانش‌های جدید از این نظریه، امکان طرح می‌یابند. (الله وردی، محرابی، ۱۳۹۸)

الهام و دانش ناری در تحقیق خود به ذهنیت محاسبه گر مجرمانه می‌پردازند. به طور کلی آنان بیان میدارند که: رفتارهای خود در بسترهای مختلف به دنبال کسب حداکثر سود هستند. تبلور این نظریه در قلمرو حقوق کیفری موجب شکل‌گیری این ایده می‌شود که تصمیمات جنایی محصول نهایی تفکر بزهکاران بالقوه است. از این‌رو بزهکاران با تحلیل‌های هزینه- فایده و کسب حداکثر سود در قبال کم‌ترین هزینه‌ها، به‌سوی پدیده‌های مجرمانه روی می‌آورند. در این رویکرد، بزهکاران به‌مثابه کنش‌گران اقتصادی، با سامان‌دهی تصمیمات خویش، در پی آنند تا با ارتکاب جرم به بیشترین لذت دست یابند. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی- تحلیلی است. به‌منظور تبیین دقیق نظریه گزینش حسابگرانه، با استفاده از روش نمونه پژوهی، با تعدادی از بزهکاران بافت سنتی شهر مشهد، مصاحبه‌های عمیقی به عمل آمد. انجام مصاحبه با بزهکاران و تحلیل یافته‌های حاصل از مطالعات میدانی، جهت بررسی تطابق این نظریه با واقعیات پدیده‌های بزهکارانه صورت گرفته است. یافته‌های این پژوهش، نشان می‌دهد، امعان نظر به برخی جرائم و بزهکاران از قلمرو عام نظریه گزینش حسابگرانه می‌کاهد. از این‌رو جرائم جنسی، جرائم خشونت‌بار و جرائم مبتنی بر نفرت از جمله جرائمی است که این نظریه در مورد آن‌ها صادق نیست. بر اساس نوع بزهکاران نیز، بزهکاران یقه آبی، مجانین و اطفال از شمول این نظریه خارج می‌شوند. از طرفی تبیین نظریه گزینش حسابگرانه در پرتو گفتمان فقه امامیه با تکیه بر پیامدهای دنیوی و اخروی ارتکاب جرم، جلوه‌ای جامع‌تر از این‌گو را ارائه می‌دهد. (الله وردی، دانش ناری، ۱۳۹۳)

صادقی و پروین نیز در تحقیق خود به مطالعه ذهنیت مجرمانه محاسبه گر و رابطه اش با گفتمان و قدرت می‌پردازند. به طور کلی آنان بیان میدارند که: در یک تقسیم بندی تاریخی می‌توان تئوری‌های جرم‌شناسی را به کلاسیک، روشنگری، مدرن و انتقادی تقسیم بندی کرد. بعد از مطرح شدن پارادایم‌های فکری کلاسیک و اثباتی، این پارادایم‌ها در دهه ۱۹۵۰ به وسیله پارادایم انتقادی با نقد اساسی مواجهه شد. از مهم‌ترین نظریه‌هایی که در این پارادایم مطرح شد می‌توان به نظریه‌های انگ زنی (برچسب زنی)، جرم‌شناسی تضادی

(مارکسیستی)، جرم‌شناسی فیمینیستی، جرم‌شناسی فرهنگی، سازه‌گرایی و جرم‌شناسی پست‌مدرن اشاره کرد. در این تئوری‌ها، تبیین جرم و شناخت عوامل موثر بر آن، بر خلاف آن چیزی که در پارادایم‌های پیشین به آن توجه شد، فارغ از ارزشها و منافع صورت نمی‌پذیرد. از منظر پارادایم انتقادی جرم‌تعریف‌شدنی است و عنصر قدرت آن را علیه افراد حاشیه‌ای تر و ضعیف‌تر بکار می‌گیرد. به علاوه جرم لزوماً در عالم واقعیت وجود ندارد بلکه این افراد صاحب نفوذ و قدرتمند هستند که آن را بر می‌سازند. مقاله حاضر تلاش دارد تا با رویکرد تحلیلی-تاریخی به بررسی نظریه‌های جدید جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی انحرافات با تاکید بر مفاهیم گفتمان، ذهنیت و قدرت بپردازد. تاکید اصلی مقاله بر رویکردهای جدید جرم است که عمدتاً از دهه ۱۹۵۰ میلادی مطرح شدند؛ ویژگی اصلی این رویکردها ضمن انتقادی بودن توجه به مفاهیم گفتمان، ذهنیت و قدرت است.^۱ (صادقی، پروین، ۱۳۹۰)

حبیب زاده و صادقی در پژوهش خویش در مورد ذهنیت مجرمانه محاسبه‌گر و همسویی با قوانین کیفری می‌پردازند و به طور کلی بیان میدارند که: در دوره‌های مختلف تاریخ تحولات کیفری در ایران همواره نهادهایی برای کیفرزدایی مورد شناسایی قانون‌گذار قرار گرفته است. لکن با توجه به اقدامات زمینه‌ساز در سطح سیاست‌گذاری و برنامه‌ای و مدیریتی در نظام عدالت کیفری گذشته، دوره جدید قانون‌گذاری (از ۱۳۹۲ به بعد) را دوره گسترش سیاست کیفرزدایی می‌توان نامید. دوره‌ای که با حبس‌زدایی و اعدام‌زدایی، نویدبخش عزم قانون‌گذار در اجرای این سیاست است. با وجود این، به نظر می‌رسد اگرچه در سطح روبنا، چهره قانون‌گذار ارفاق‌آمیز و مصلحت‌اندیشانه است، ولی از نظر عمق سیاست‌گذاری، در قوانین عام و خاص، نشانه‌هایی از ناهمسویی با سیاست کیفرزدایی و یا عدم اطمینان به مقررات نوین هم‌چنان پابرجاست و یا حتی می‌توان ادعا کرد که در دوره جدید افزایش یافته است. در این مقاله، با رویکردی توصیفی تحلیلی، چهار عامل از این ناهمسویی‌ها و کیفر‌افزایی‌ها شامل جرم‌انگاری‌های جدید و مکرر، عدم ضابطه‌مندی در گزینش فتوای معیار برای قانون‌گذاری کیفرزدا، کیفرگرایی‌های الحاقی تبعی و نیز کیفرزدایی آیین‌نامه‌ای مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته و پیشنهادهایی برای اصلاح آن‌ها

۱ صادقی فسایی، سهیلا، پروین، ستار، ۱۳۹۰، جرم بر ساخته ذهنیت گفتمان و قدرت، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی

ارایه شده است.^۱ (جعفرزاده، صادقی، ۱۳۹۹)

بخش چهارم: خلاءهای پژوهشی

از آنجا که این تحقیقات به طور کلی به مجرمین پرداخته است و ذهنیت آنان را مورد توجه قرار داده و در نهایت به ابعاد اقتصادی و حقوقی ذهنیت محاسبه گر مجرمین میپردازد و عقلانیت کیفری آنان را مورد سنجش و ارزیابی قرار میدهد. آنچه در این بین کمتر مورد توجه قرار گرفته است، دو موضوع مهم است، یکی تاثیر فضای مجازی بر وقوع قتل‌های خانوادگی و جرایم خشن خانوادگی و دیگری نقش مهم و موثر قوانین کیفری و جزایی و نحوه اجرای قوانین و مقررات میباشد. قوانین و اجرای آنها، یکی از مهمترین ارکان و عناصر تجزیه تحلیل ذهنیت مجرمانه محاسبه گر بوده و جزء جدایی ناپذیر عقلانیت کیفری میباشد، لذا با توجه به این خلاء تحقیقاتی، این پژوهش بدین امر مهم پرداخته است.

بخش پنجم: چارچوب نظری پژوهش

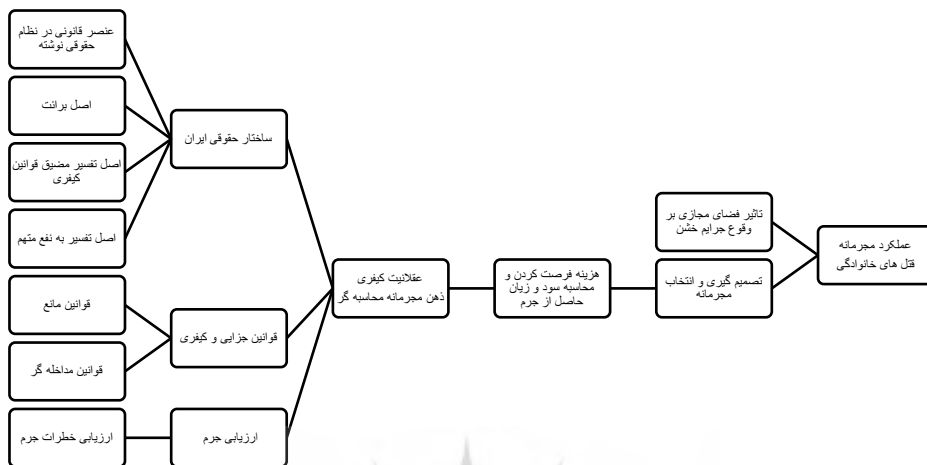
از آنجا که این تحقیق به روش کیفی انجام می شود از چارچوب نظری که مبنای فرضیه های تحقیق قرار میگیرد بی نیاز است با این حال پرداختن به مباحث ذهنیت مجرمانه محاسبه گر و علانیت کیفری در مورد جرم قتل خانوادگی به همراه قوانین کیفری جزایی و نحوه اجرای قوانین و مقررات برای این پژوهش، چارچوب مفهومی فراهم می کند که راهنمای محقق در خوانش و تفسیر داده های جمع آوری شده خواهد بود.

بخش ششم: مدل مفهومی پژوهش

با توجه به اینکه مجرمین در ارتکاب جرم و انجام رفتارهایشان، همواره محاسباتی اقتصادی حقوقی دارند. آنان بر پایه قوانین کیفری و نحوه اجرای قوانین، تجربیاتی اجتماعی حقوقی می یابند که در تحلیل اقتصادی آنها برای ارتکاب جرم و انجام رفتارهای مجرمانه موثر و مهم است. آنها دارای فرمول و معادله ای بوده اند که نام آن فرمول و معادله، ذهنیت محاسبه گر مجرمانه و یا عقلانیت کیفری است. قالب کلی این فرمول محاسبه سود و زیان حاصل از اقدام مجرمانه میباشد. آنان لذت حاصل از فعالیت مجرمانه را در برابر مجازات احتمالی آینده که برایشان ناخوشایند است، قرار داده و دست به مقایسه و در نهایت انتخاب

۱ حبیب زاده، محمد جعفر، صادقی، ولی الله، ۱۳۹۹، ناهمسویی های قانونی با سیاست کیفرزدایی در ایران

میزنند. بنابراین محتوا و ماهیت فرمول و معادله عقلانیت کیفری، توسط قوانین و مقررات و اجرای آنها میباید. این قوانین داده هایی هستند که جدول هزینه فرصت اقتصادی مجرمان را کامل کرده و او را تا انتخاب نهایی همراهی میکنند. گاهی این همراهی به شکل مثبت بوده است و مجرم را به این نتیجه میرساند که دست از ارتکاب جرم بردارد، چرا که درد ناشی از انتخابش، بسیار بزرگتر از سود حاصله خواهد بود و گاهی این همراهی به شکل منفی بوده است و مجرم را به این نتیجه میرساند که دست به ارتکاب جرم بزند، چرا که سود ناشی از انتخابش، بسیار بزرگتر از درد حاصله خواهد بود. به عنوان مثال در مورد قتل رومینا اشرفی، پدر با توجه به مواد ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و سایر مواد قانونی که مکمل ماده فوق الذکر میباشند، در نهایت به این نتیجه میرسد که پسر متجاوز را به قتل نرساند. چرا که با این اقدام مرتکب جرم قتل عمد شده و با مجازات قصاص روبرو میگردد. و همچنین با توجه به ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به این نتیجه میرسد که دختر خود را به قتل برساند. چرا که سود حاصل از این اقدام مجرمانه که برایش به شکل اعداء حیثیت و آبرو بوده است، از درد ناشی از مجازات که نهایتاً ۱۰ سال حبس بوده است، بسیار بیشتر بوده است. اگر مجازات چنین اقدامی، قصاص بود، هرگز دست به این اقدام نمیزد، چرا که گویا این شخص در ابتدا جاننش برایش مهم و ارزشمند بوده است و در درجه بعدی آبرویش برایش اهمیت داشته است. بدون شک تجربیات و دانش یک حقوق دان به شکل مشاوره به او در این تصمیم گیری کمک نموده است. در این انتخاب ساده، شاهد مفاهیمی اقتصادی، حقوقی هستیم که در انتخاب و تصمیم گیری این شخص بسیار مهم و موثر بوده اند. بدون شک وجود قوانینی دیگر، از جمله موارد مرتبط با اجرای مجازات و نظام آزادی مشروط و موارد دیگری که به نحوه اجرای مجازات مربوط بوده است، مشوق و محرک و عامل اطمینان خاطر وی برای ارتکاب بدین عمل و رفتار بوده است. همچنین در مورد قتل‌های خانوادگی تاثیرات فضای مجازی نیز از عمده ترین عوامل وقوع این دسته از جرایم هستند. با توجه به این توضیحات، میتوان مدل مفهومی این پژوهش را در نمودار زیر نشان داد :



بخش هفتم: روش شناسی

بند اول: روش تحقیق

داده های این تحقیق با رویکرد توصیفی- تحلیلی و به روش کیفی و با ابزار مصاحبه جمع آوری می شوند. در این تحقیق رویکرد روایت پژوهی مورد استفاده قرار می گیرد. روایت پژوهی یعنی داستان های زیسته و نقل شده (کراسول، ۱۳۹۴، ۷۴-۷۶). روایت پژوهی اشکال متعددی دارد و از شیوه های تحلیلی متنوعی استفاده می کند که ریشه در رشته های مختلف علوم اجتماعی و انسانی دارد. واژه «روایت» را می توان به هرگونه متن یا گفتمانی نسبت داد یا این که از آن برای اشاره به حالت خاصی از پویا در پژوهش کیفی استفاده کرد که کانون تمرکز آن داستان های نقل شده توسط افراد است. اما در مجموع روایت، متنی گفتاری یا نوشتاری است که حاکی از یک رویداد/ اقدام یا مجموعه ای از رویدادها/ اقدامات است که پیوندی تقویمی با هم دارند. محققان برحسب استراتژی های تحلیل، نوع متفاوتی از روایت پژوهی را برمی گزینند.

از روش نمونه گیری هدفمند (تعمدی) استفاده شد و تلاش شده است تا حد امکان کسانی برای مصاحبه انتخاب شوند که خود دست اندرکار سیاست گذاری قضایی و قانونی در کشور بودند و اطلاع دست اول دارند. گردآوری داده های تحقیق از طریق مصاحبه مزایای بسیاری دارد و امکان می دهد تا فرد پاسخگو دیدگاه هایش را کامل تر و بهتر از زمانی که به

سوالات پرسشنامه یا مصاحبه ساخت یافته پاسخ می‌دهد بیان کند. موزر و ناگل (۲۰۰۲) مصاحبه با متخصصان را نوعی مصاحبه نیمه ساخت یافته می‌دانند. در این جا برخلاف مصاحبه‌های زندگینامه نگارانه به مصاحبه شونده نه به عنوان یک شخص، بلکه به قابلیتش به عنوان متخصص در یک حوزه خاص توجه می‌شود. متخصصان نه به عنوان یک مورد منفرد بلکه به منزله نمایندگان یگ گروه از متخصصان خاص در نمونه گنجانده می‌شوند. راهنمای مصاحبه در اینجا کاربرد رهنمودی بیشتری در خصوص حذف موضوعات بی حاصل دارد. مشکل هدایت در اینجا خود را بیشتر نشان می‌دهد، چون فردی که با او مصاحبه می‌شود بیشتر به منزله صاحب توانایی و قابلیت‌های خاصی مورد توجه است تا به منزله یک شخص. در تفسیر مصاحبه با متخصصان هدف عمدتاً تحلیل و مقایسه محتویات دانش متخصصان است. نمونه‌ها در این نوع مصاحبه بر اساس نمونه گیری تدریجی انتخاب می‌شوند. (فلیک، ۱۳۸۷: ص ۱۸۴-۱۸۳)

یکی از روش‌های ساده و کارآمد تحلیل کیفی، تحلیل مضمون است. در واقع، تحلیل مضمون، اولین روش تحلیل کیفی است که پژوهشگران باید یاد بگیرند. این روش، مهارت‌های اساسی مورد نیاز برای بسیاری از تحلیل‌های کیفی را فراهم می‌کند. مضمون الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود و حداقل به توصیف و سازماندهی مشاهدات و حداکثر به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد (کمالی، ۹۷) پژوهشگر در تحلیل مضمون، مباحث مهم مطرح شده در متن را استخراج می‌کند. فرایند تحلیل مضمون شامل یک رفت و برگشت مستمر بین مجموعه داده‌ها و خلاصه‌های کدگذاری شده و تحلیل داده‌هایی است که به وجود می‌آیند. تحلیل مضمون فرایندی بازگشتی است که در آن حرکت به عقب و جلو در بین مراحل ذکر شده وجود دارد.

بند دوم: روایی و پایایی تحقیق

تحقیق پیش رو در نظر دارد تعریفی جامع و گسترده از ذهنیت مجرمانه محاسبه گر و عوامل دخیل در انتخاب مجرمانه بر اساس عقلانیت کیفری در مورد جرایمی چون قتل‌های خانوادگی ارائه نماید. این تعریف میتواند بستر بسیاری از جرایم را تقلیل داده و این رویکرد نظری شناختی میتواند نیمی از مسیر عملی درمانی را پیموده و از این حیث، دارای نوآوری مخصوص به خود میباشد.

بخش هشتم: یافته های تحقیق

بند اول: تاثیر فضای مجازی بر وقوع قتل های خانوادگی

فضای مجازی به دلیل ویژگی های خاص مانند گمنامی و سهولت ارتباط، محلی برای انواع آسیب ها و جرایم است و با گذشت زمان بر حجم آسیب ها و جرایم این فضا افزوده می شود. کاربران فضای مجازی در معرض آسیب ها و تهدیدات مختلفی از جمله انحرافات اخلاقی، عقیدتی و سیاسی، مشکلات روحی و روانی، سرقت اطلاعات، مزاحمت های اینترنتی و ضرب و جرح و قتل های ناموسی قرار دارند. افراد با الگوپذیری و همانندسازی خود باشخصیتهای فضای مجازی بدون در نظر گرفتن خیالی بودن آنها دست به ارتکاب جرم و جنایت میزنند. یافته های پژوهش حاکی از آن است که فضای مجازی با تغییر فرهنگ و هویت و عادی سازی جرایم و خشونت باعث ظهور رفتارهای انحرافی گردیده و میزان جرم در جامعه را افزایش داده است.

بند دوم: ریشه های ناموسی قتل های خانوادگی

یکی از انواع قتل هایی که بیشتر در جوامع سنتی مثل کشور ما به وقوع می پیوندد و ریشه در عوامل روانشناختی، فرهنگی و اجتماعی مختلف دارد، قتل ناموسی است. این گونه قتل ها که از آن ها به عنوان فاجعه خاموش نام برده می شود، علل مختلفی دارند، یک نمونه بارز آن قتل دختر ۱۳ ساله تالشی به دست پدرش در روزهای اخیر است. آنچه که در بین عوامل ایجاد کننده قتل های ناموسی مثل اتفاق تلخ اخیر باید مورد توجه قرار گیرد، اختلالات روانی و رفتاری در برخی از اعضای خانواده هاست که به راحتی توسط خانواده قابل شناسایی و تشخیص نیست و ممکن است یک اختلال رفتاری در خانواده بدون اینکه مهم تلقی شود، به مرور زمان منجر به بروز رفتارهای خشن و عصبی در اعضای خانواده شود. گاهی برخی از رفتارها همانند خشم ها و عصبانیت های کنترل نشده، واکنش های تند و عصبی و یا گوشه گیری ممکن است از نظر خانواده طبیعی به نظر برسد، اما همین حالت ها به مرور زمان و در صورت عدم مداخلات روانشناسی از این قابلیت برخوردار هستند که به یکباره باعث خشونت و حتی قتل های ناموسی شوند. نداشتن مهارت مواجهه با مشکلات و حل مسائل و نبود آموزش و فراگیری مهارت های اجتماعی، فرهنگی و روانی از جمله مسائلی است که منجر به خشونت، نزاع، درگیری و در نهایت قتل می شود. متأسفانه

عدم آشنایی و برقراری ارتباط اکثر مردم کشورمان با روانشناسان و روانپزشکان افزایش قتل‌های خانوادگی را دامن زده است. به این نکته باید توجه داشت که ساختار تکاملی جنسیتی به‌گونه‌ای شکل گرفته که نیاز به قدرت در جنسیت مردانه بارزتر است، در طول تاریخ، منبع قدرت، شکار، جایگاه‌های بالای اجتماعی در دست مردان بوده است و این ویژگی به عنوان یک ساختار تکاملی در مردان شکل گرفته و در جوامع امروزی نیز تلاش‌های زیادی در جهت برآورده شدن آن از سوی مردان صورت می‌گیرد. یکی از حوزه‌هایی که می‌تواند در راستای پاسخ به این نیاز عمل کند، حوزه اجتماعی و شغلی است و حوزه دیگر، وابستگی و نیاز به حمایت زنان و دختران خانواده به مردان است، به این معنا که مرد احساس کند زنی را مورد حمایت خود قرار داده است، حال اگر مرد این احساس را داشته باشد که حس قدرت او در جامعه و در ساختارهای اجتماعی به صورت کامل ابراز نمی‌شود، خانواده و اصطلاحاً ناموس را تنها جایی برای ابراز احساس قدرت خود می‌بیند. چنین مردانی با نیازهای سرکوب شده قدرت، زمانی که احساس می‌کنند ناموس از قدرت تکاملی و زینه مرد خارج می‌شود، با خشونت‌بارترین ابزار ممکن دست به حمله برده و فاجعه‌ای به اسم قتل ناموسی اتفاق می‌افتد. از سوی دیگر در رویکرد پاتولوژیک به مسئله، بسیاری از افرادی که دست به انجام قتل‌های ناموسی می‌زنند، افرادی دارای اختلالات روانشناختی از جمله افراد دارای اختلال شخصیت پارانویا، اختلال هذیانی، اختلال دوقطبی و افراد سایکوپات با مشکل در کنترل تکانه خشم هستند. گاه این افراد حتی به صورت هذیانی فکر می‌کنند که دیگران به اعضای خانواده و به ویژه زنان، دختران و خواهران آن‌ها نظر جنسی دارند، در حالی که در واقعیت چنین چیزی وجود ندارد. اختلالات شخصیتی به صورت احساس پوچی و تنهایی و عدم بلوغ عاطفی اعضای خانواده باعث می‌شود افراد از توان کنترل هیجانات خود برخوردار نباشند، این گونه حالت‌های هیجانی شدید به خصوص در مردان منجر به بروز رفتارهای خشن می‌شود که فرد بعد از ارتکاب دچار پشیمانی هم می‌شود، چنین رفتارهایی در مردان در مقایسه با زنان بیشتر است. مصرف مواد مخدر و محرک‌هایی همچون شیشه و انواع مواد محرک با ایجاد توهم زمینه ساز نیز باعث بروز ناهنجاری‌های رفتاری در خانواده می‌شود که گاه این توهم ناشی از مخدرها به قتل‌های خانوادگی و ناموسی ختم می‌شود که نمونه‌های آن در سال‌های اخیر کم نبوده است. به لحاظ اجتماعی هم باید این موضوع را در نظر گرفت که در یک جامعه سنتی، شرف و

پاکدامنی زن تنها به خودش تعلق ندارد، بلکه آن را سرمایه مشترک و همگانی اعضای خانواده، فامیل و قبیله می‌دانند. در این جامعه، فرد به رسمیت شناخته نمی‌شود؛ بلکه همه عضو خانواده، بزرگ قبیله یا دودمان یا کاروان هستند و هر عملی، چه خوب و چه زشت از اعضای آن سر بزند، بر سایر اعضای خانواده، فامیل و خویشاوندان نیز تأثیر می‌گذارد. موضوع دیگر مرتبط با قتل‌های ناموسی در برخی از مناطق ایران، حمایت افکار عمومی آن منطقه از قاتل است و در برخی موارد فرد قاتل حتی قهرمان خوانده می‌شود، البته چنین نگاهی به قاتل می‌تواند از هر فرد پرورش یافته در این مناطق یک قاتل بالقوه بسازد. نیاز است که رسانه‌های تأثیرگذار آزادانه در این گونه ماجراها ورود کنند و به جنبه‌های روانی، خانوادگی، جامعه‌شناختی و حتی حقوقی این مسأله بپردازند و مردم را نسبت به چنین اتفاقاتی آگاه‌تر کنند و مبدأ گفت‌وگوی اجتماعی فراگیری درباره این پدیده باشند و ابعاد این گونه قتل‌ها در کشورمان را روشن کنند. در کنار آن نظام آموزش و پرورش ما نیز در قبال بروز چنین مسائلی مسئولیت بپذیرد. معلمان و مدیران مدرسه بیشتر به وضعیت روحی و روانی نوجوانان نظر داشته باشند و نظام آموزشی کشور، آموزش‌های گسترده در سطح ملی برای مهارت مدیریت عواطف و احساسات انسانی نوجوانان در نظر بگیرند تا در سال‌های نه چندان دور، از بروز چنین اتفاقات تلخی پیشگیری شود.

بند سوم: ریشه یابی قتل خانوادگی زن اهوازی

فضای مجازی اثری دارد که خانواده‌ها را از هم متلاشی می‌کند. منشأ جنایت اهواز فضای مجازی بوده است. جنایت اهواز که چندین روز پیش اتفاق افتاد و مردی سر زن جوان را برید و آن را به دست گرفت و در خیابان به راه افتاد، وقتی پیگیری شد به فضای مجازی برمی‌گردد. این زن با یک فرد سوری در اینستاگرام ارتباط برقرار کرده و به ترکیه رفته بود و مدتی در آنجا بودند و سپس برگشت و آن موارد رخ داد و از کارهایی که زن می‌کرد این بود که تصاویر خود را از طریق اینستاگرام برای شوهرش می‌فرستاد که این اتفاق رخ داد و این شوهر وقتی دید که زن در دامن اجنبی است آن حرکت زشت و مضمضکننده را مرتکب شد. این در حالی است که به گفته جامعه‌شناس‌ها تأثیر فضای مجازی بر جنایت‌ها تنها ۱۰ درصد است. بنابراین به گفته فعالان سیاسی مسوولان، فضای مجازی را مقصر اعلام می‌کنند تا بی‌کفایتی آنها در حل مشکلات کشور عیان نشود.

بند چهارم: فضای مجازی و اخلاق در نظم کشور

به نظر مسوولان تمامی سیاست‌ها و برنامه‌های آنها دقیق بوده است و تنها دشمنان باعث اخلاق در نظم کشور می‌شوند. اخلاگران طی سال‌های گذشته تغییر چهره می‌دادند، گاهی غربی‌ها، انگلیسی‌ها، آمریکایی‌ها، منافقان و حتی سلطنت‌طلب‌ها بودند. در حال حاضر نیز به عقیده مسوولان فضای مجازی در نظم کشور اخلاق ایجاد می‌کند. مسوولان بر این عقیده‌اند که برنج کیلویی ۸۰ هزار تومان و ناامیدی را فضای مجازی ایجاد کرده است. یا جنایت هولناک اهواز را فضای مجازی ایجاد کرده است. مفاسد اقتصادی را نیز فضای مجازی ایجاد کرده است. البته برخی مسوولان مهاجرت نخبگان به خارج از کشور را به گردن فضای مجازی می‌اندازند. به طور کلی مسوولان برای فرار از مسوولیت تمامی مشکلات کشور از جمله آلودگی هوا، کمبود آب و گرانی را به گردن فضای مجازی می‌اندازند. بنابراین از حالا به بعد مقصر همه بی‌مسوولیتی‌ها و قصورات مسوولان فضای مجازی است. فضای مجازی متهم جدید ردیف اولی است که مسوولان به تازگی کشف کرده‌اند.

بند پنجم: فراقنی مسوولان و فضای مجازی و فرهنگ سازی در این فضا

این روزها اظهار نظر دادستان کل کشور در فضای مجازی دست به دست می‌شود. اگر داستانی را در سطح حادثه اهواز برعهده فضای مجازی بگذاریم کمی از عمق قضیه دور شدن است. به نظر فراقنی است. چراکه حادثه اهواز موضوع ساده‌ای نبوده است. مونا حیدری در ۱۲ سالگی ازدواج می‌کند و در ۱۵ سالگی مادر می‌شود، حال به گفته والدین آنها اختلافاتی با شوهر خود داشته است و براساس رسم و رسوم آنها ازدواج دخترعمو و پسرعمو در آسمان‌ها بسته شده است. بنابراین دختر با ازدواج و بارداری ناخواسته مواجه شده است. حال به گفته خانواده، او به فرصتی برای خروج از کشور دست می‌یابد. گویا پلیس بین‌الملل برای بازگردانی این دختر به والدین آن کمک کرده است. اگر به عقیده مسوولان فضای مجازی بد است، که چرا این دختر را از طریق فضای مجازی پیدا کردند؟ بخش اول آن بد است و بخش دوم آن خوب است؟ در هر صورت نمی‌توان گفت از فضای مجازی سوءاستفاده نمی‌شود ولی گناه بر گردن فضای مجازی نیست. به نظر مسوولیت بر گردن افرادی است که از این فضا بد استفاده می‌کنند. مسوولان به جای اینکه چنین جنایت‌هایی را از منظرهای مختلف اجتماعی، حقوقی و روانشناسی بررسی کنند به راحتی آن را به

گردن فضای مجازی می‌اندازند و صورت مساله را پاک می‌کنند. همان اندازه که می‌گویند فضای مجازی بد است. لذا بستگی به مصرف‌کننده آن دارد. بنابراین به جای فرافکنی باید بیشتر به آموزش و فرهنگ‌سازی پرداخت.

تاکید بر این است که به جای محدودیت فضای مجازی، فرهنگ را اصلاح نمود، به نظر نقش فضای مجازی در قتل‌های ناموسی ۱۰ درصد است. قتل‌های ناموسی ریشه در فرهنگ سنتی دارد. متأسفانه واژه‌ای به نام غیرت ریشه در فرهنگ و مذهب ایرانی‌ها دارد. این واژه در شهرستان‌های کوچک و متعصب به معضل جدی تبدیل شده است، چراکه مردان آن منطقه بر این باورند که اگر زنی رفتاری خارج از عرف و مذهب آنها انجام دهد باید آن عامل را از بین برد. حتی در فرهنگ ما امری وجود دارد که باید خون را با خون شست. گاهی طایفه‌ها به دلیل غیرت جان همدیگر را می‌گیرند. بنابراین غیرت، تعصب و ناموس‌پرستی منجر به جنایت‌های هولناکی در شهرستان‌های ما می‌شود، زیرا قانون در قتل‌های ناموسی به قاتلان ارفاق می‌کند، همین امر منجر به سوءاستفاده قاتلین شده است، به طوری که والدین بابت خرم‌دین با علم و آگاهی از اینکه قانون در خصوص کشتن فرزندان از آنها حمایت می‌کند، دست به چنین جنایت هولناکی زدند. البته از این دست جنایت‌ها بسیار است. از طرفی بسیاری از قتل‌های ناموسی شاکی خصوصی ندارد. متأسفانه ولی‌دم در زن‌کشی‌ها از قاتل حمایت می‌کند و به آزادی او رضایت می‌دهد. چنین عواملی به قاتل جرات بروز چنین قتل‌هایی را می‌دهد. وگرنه فضای مجازی هیچ ربطی به این‌گونه مسائل ندارد. مگر فضای مجازی فرد را ترغیب به قتل می‌کند؟ هیچ‌گاه در فضای مجازی پستی در جهت ترغیب افراد برای زن‌کشی نبوده است. البته نمی‌توان منکر بدآموزی فضای مجازی در جامعه شد ولی دلیل اصلی مشکلات ریز و درشت کشور فضای مجازی نیست. مسوولان برای توجیه عملکرد ضعیف خودشان چنین سخنانی می‌گویند. این در حالی است که اخیراً عوامل متعددی از جمله تنگناهای اقتصادی، افزایش بیکاری، گرانی، کاهش درآمد، اختلال‌های روانی و خشم جامعه نسبت به رانت و فساد مسوولان منجر به افزایش آسیب‌های اجتماعی در جامعه می‌شود. چه‌بسا اگر امروزه درخصوص رفتار ایرانی‌ها بررسی شود، کاملاً مشخص است که آنها به دلیل وضعیت موجود بسیار کلافه و عصبی هستند، به همین دلیل مردم با کوچک‌ترین مشکلی خشمشان را به بدترین شکل بروز می‌دهند. به طور کلی شاید فضای مجازی بدآموزی داشته باشد و قبح خیانت را بریزاند، اما هیچ‌گاه در

خصوصاً زن‌کشی توصیه‌هایی نداشته است. این در حالی است که فرهنگ و مذهب ما در ترویج ناموس‌پرستی و غیرت نقش بسزایی دارد. در هر صورت مسوولان چاره‌ای جز توجیه ندارند.

بخش نهم: ساختار نظام حقوقی ایران

در مورد قتل‌های خانوادگی ساختار نظام حقوقی نیز موثر می‌باشد. به طور کلی ۴ نظام حقوقی عمومی و گسترده در جهان وجود دارد که عبارتند از نظام حقوقی کامن‌لا، رومی ژرمنی، سوسیالیستی و نظام حقوقی اسلام. با توجه به اینکه نظام حقوقی ایران ترکیبی از نظام حقوقی رومی ژرمنی و نظام حقوقی اسلام می‌باشد، لذا دارای ساختار منحصر به خویش بوده و این ساختار، عملکرد قضایی متناسب با خود را ارائه می‌دهد. اکنون زمان آن است که، به وجهی از این ساختار نظام حقوقی توجه نمود که مرتبط با مجرمین و متهمین در حوزه ارتکاب جرایم می‌باشد. قبل از هر چیزی لازم است توجه گردد که زمانی که در مورد متهم یا مجرم صحبت می‌گردد، قبل از اینکه به حقوق بشر توجه شود، لازم و ضروری است که در نظر گرفته شود که آن متهم، همان شخصی است که تهدید انجام داده است، توهین کرده است، مرتکب کلاهبرداری شده است، مرتکب جرایم مختلف بوده است. چنین شخصی که به خویش اجازه داده است و پا را فراتر از آزادی خویش نهاده و به حقوق دیگران و جامعه تجاوز نموده است؛ وقتی صحبت از حقوق متهم، مثل اصل برائت و تفسیر قوانین به نفع متهم و تفسیر مضیق قوانین کیفری و موارد دیگر میشود، در واقع صحبت از همین شخص نامبرده است. با توجه به این مقدمه به مباحثی در ساختار نظام حقوقی ایران پرداخته می‌گردد که در ذهنیت محاسبه‌گر مجرمان اثر بسیار مهم دارد.

بند اول: عنصر قانونی در نظام حقوقی نوشته

نظام حقوقی ایران بر خلاف نظام کامن‌لا از نظام حقوقی نوشته یا رومی ژرمنی تبعیت میکند. در حوزه حقوق کیفری برای احراز جرم نیاز به ۳ عنصر قانونی و مادی و روانی دارد. عنصر قانونی همان مواد قانونی است که در متن قوانین عادی وجود دارد. بدون این مواد قانونی نمیتوان کسی را مجرم دانست. ماده ۲ قانون مجازات اسلامی جرم را چنین تعریف میکند که هر گونه رفتار اعم از فعل یا ترک فعل که برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم نام دارد. به عبارتی اگر جرمی در ماده قانونی تعریف نگردد، از ناحیه یک شخص قابلیت

انتساب ندارد. این امر کاملاً برخلاف رویه نظام حقوقی کامن لا می‌باشد. در نظام حقوقی کامن لا نیازی به تعریف جرم نیست. رفتار جدید یک شخص که باعث آسیب به دیگران گردد میتواند تبدیل به جرم گردد و بعد از آن تبدیل به قانون شود. محدودیت در عناوین مجرمانه، قدرت مجرمان را برای رسیدن به مقاصد مجرمانه نامحدود میکند. هر چه گستردگی عناوین مجرمانه در نظام حقوقی ایران کاهش یابد، میزان رفتارهای پر ضرر بیشتر میگردد و تعداد مجرمین که بیشتر از قوانین نوشته شده، موارد احصا نشده قوانین را در نظر میگیرند، بیشتر میشود.

بند دوم: اصل برائت

یکی از مهمترین اصول که می تواند به صورت غیر مستقیم ارتکاب به قتل‌های خانوادگی را افزایش دهد اصل برائت می باشد. اصل برائت از اصول احصا شده در قانون اساسی است. این اصل باعث میگردد که در قانونگذاری در زمینه قوانین عادی، از جمله قانون آیین دادرسی کیفری و مدنی و قوانین جزایی، اشکالاتی عمده سر بزند و زمینه خلق مجرمین را بسیار زیاد گرداند. اصل برائت باعث میگردد که مقام قضایی اعم از تعقیب و تحقیق و رسیدگی، در ابتدا ادله اثبات لازم را کسب نماید و سپس شخصی را در جایگاه مظنون و متهم بودن وارد نماید و تحت تعقیب قرار دهد. همین اصل علاوه بر اینکه مزایای بیشماری دارد ولی یکی از بزرگترین عیوب آن، ایجاد بستری مناسب برای مجرمین است تا بتوانند با عدم ارائه مدرک و نگذاشتن هیچگونه ردی راه را برای جمع آوری ابتدایی ادله اثبات با صعوبت و سختی مواجه کرده و ادامه راه را برای مقام قضایی با بن بست روبرو نمایند.

بند سوم: اصل تفسیر مضیق

یکی دیگر از مهمترین اصول که می تواند به صورت غیر مستقیم ارتکاب به قتل‌های خانوادگی را افزایش دهد اصل تفسیر مضیق می باشد. از دیگر اصول حقوقی نظام حقوقی ایران اصل تفسیر مضیق قوانین ماهوی و قوانین جزایی است. این اصل باعث کوچک شدن میدان تفسیر و کاهش مصداقها و رفتارهای مجرمانه میگردد. مجرمین با تکیه بر این اصل، تغییراتی کوچک در رفتار مجرمانه خود به وجود می آورند و با تکیه بر این اصل، رفتار خود را از میدان مصداقی جرم مورد نظر خارج میگردانند. غایت مجرمانه در اینگونه موارد حفظ شده است ولی مصداق مجرمانه احراز نمیگردد به خاطر منطبق نبودن مفهوم با رفتار مجرم.

بند چهارم: اصل تفسیر به نفع متهم

همچنین یکی دیگر از مهمترین اصول که می تواند به صورت غیر مستقیم ارتکاب به قتل‌های خانوادگی را افزایش دهد اصل تفسیر به نفع متهم می باشد. اصل تفسیر به نفع متهم باعث می‌گردد در موارد سکوت قانون و در مواردی که قانون نیاز به روشن شدن دارد و مبهم مانده است، جایگاه قضاوت به نفع متهم نگاه خویش را برگردانده و زمینه خروج متهم از جرم را مهیا نماید. این اصل کاملاً با اصل برائت همخوانی دارد و متأسفانه قدرت مجرمین را برای ارتکاب جرم بیش از پیش مینماید. این اصل باعث می‌گردد که مجرمین با چنگال قانون مواجه نباشند و در عوض قانون را به عنوان پناهگاهی محکم و امن برای خویش یابند. ارزیابی خطرات جرم : بر اساس این رویکرد، بزهکاران بالقوه پیش از ارتکاب جرم با تحلیل‌های ریسک محور^۱ میزان خطرات احتمالی ناشی از ارتکاب بزه را مورد بررسی قرار می‌دهند و در صورت بالا بودن میزان خطرات، از ورود به دنیای مجرمیت پرهیز می‌نمایند. بزهکاران بالقوه در ارزیابی‌های ریسک محور، شاخص‌های مختلفی را در نظر می‌گیرند که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌نماییم.^۲ (الهام، دانش ناری، ۱۳۹۳)

احتمال کشف جرم : بر اساس این شاخص، بزهکاران با ارزیابی میزان احتمال کشف جرم، به پدیده‌های مجرمانه روی می‌آورند. چنانچه بزهکاران قادر باشند جرائم موردنظر خود را در قالب جرائم آپارتمانی^۳ مرتکب شوند، احتمال کشف پایین آمده و بزهکاران با سنجش هزینه- فایده به سوی ارتکاب جرم حرکت خواهند نمود. در عوض چنانچه جرم ارتكابی، از جمله جرائم خیابانی^۴ باشد، به نظر می‌رسد احتمال کشف جرم افزایش یابد.^۵ (الهام، دانش ناری، ۱۳۹۳)

احتمال تعقیب : بزهکاران با استفاده از تحلیل‌های هزینه- فایده احتمال تعقیب جرم

۱ Risk-oriented analysis.

۲ همان

۳ Suit crimes.

۴ Street crimes.

۵ الهام، غلامحسین، دانش ناری، حمید رضا، ۱۳۹۳، تاملی بر نظریه گزینش حسابگرانه بنیانها و قلمرو، دوفصلنامه علمی تخصصی تحول در علوم انسانی

ارتكابی توسط کنش گران عدالت کیفری^۱ را مورد بررسی قرار می‌دهند. چنانچه احتمال تعقیب به دلایلی چون رؤیت پذیری جرم^۲، گشت‌های مراقبتی پلیسی و... بالا باشد، بزهکاران از ارتکاب جرم انصراف می‌دهند و در عوض چنانچه احتمال تعقیب پایین باشد، بزهکاران بالقوه با انتخاب آماج مناسب، به‌سوی پدیده‌های مجرمانه روی می‌آورند.^۳ (اله‌ام، دانش ناری، ۱۳۹۳)

احتمال محکومیت: در این رویکرد، بزهکاران به مثابه کنش گران اقتصادی در پی آنند تا با وجود ارتکاب جرم، با ضمانت اجراهای کیفری مواجه نگردند. از این‌رو بزهکاران غالباً در پی آنند تا در بستری مرتکب جرم گردند که از حیث ادله اثبات جنایی^۴، بزه دیده را با چالش مواجه سازند. بر این اساس بزه دیده، با اعلام شکایت، قادر به اثبات جرم ارتكابی نخواهد بود و متهم با کسب منافع حاصل از ارتکاب جرم، از بهای پرداختی آن می‌گریزد. یکی دیگر از تحلیل‌های هزینه- فایده در این بستر، شناسایی مناسبت‌های عفو، توسط بزهکاران پایدار است. این مجرمین با توجه به زمان مناسب‌های عفو، زمان ارتکاب جرم خویش را تنظیم می‌نمایند. بر این اساس مجرمین با کسب منافع حاصل از جرم، تن به حبس‌های کوتاه‌مدت داده و پس از عفو احتمالی، از منافع حاصل از ارتکاب جرم استفاده می‌نمایند.^۵ (اله‌ام، دانش ناری، ۱۳۹۳)

نتیجه گیری و پیشنهاد

الف) نتیجه گیری

جرایمی خشن چون جرم قتل خانوادگی دارای ریشه‌ها و علل بسیاری هستند که دو مورد از مهمترین دلایل آن عبارتند از: تاثیرات منفی فضای مجازی که باعث گسترش ارتکاب به این جرایم شده است و دومین عامل ساختار و نظام حقوقی از جمله موارد بسیار موثر و مهم در عقلانیت کیفری مجرم بوده است و از جمله عوامل یا موانعی است که در

۱ Criminal justice actors.

۲ Visibility of crime.

۳همان

۴Criminal evidence.

۵اله‌ام، غلامحسین، دانش ناری، حمید رضا، ۱۳۹۳، تاملی بر نظریه گزینش حسابگرانه بنیانها و قلمرو، دوفصلنامه علمی تخصصی تحول در علوم انسانی

ارتکاب جرم میتواند بسیار مهم بوده باشد. به طور کلی بر اساس این پژوهش نتیجه میگیریم که هر مجرم برای ارتکاب جرم، عواید ناشی از جرم را به همراه مجازاتها و دردهای در آینده مورد محاسبه عقلانی قرار داده و در نهایت تصمیم گیری میکند که جرم مورد نظر را انجام بدهد یا از آن منصرف گردد. بستری که ذهنیت مجرمانه در آن به محاسبه درد و لذت ناشی از جرم میپردازد، قوانین کیفری کشور میباشد. بنا بر این نظریه، قوانین و مجازاتهای قانونی، نیمه دیگر این محاسبه گری و عقلانیت کیفری بوده و در به وجود آمدن و همچنین ممانعت از جرایم نقش به سزایی دارند. تدوین قوانین کیفری مناسب میتواند زمینه ارتکاب بسیاری از جرایم را از بین برده و یا فراهم نماید. قوانین و نحوه اجرای قوانین و مقررات به مثابه زمینه و بستری میباشد که مجرمین در محاسبات ذهنی و اقتصادی خود همواره بدانها توجه کرده و در تصمیم گیری و انتخاب عقلانی خویش، از آنها بهره میجویند و اعمال خویش را بر اساس محاسبات ذهنی که به صورت اقتصادی و حقوقی بوده است، بروز داده و دست به اقدامات میزنند.

ب) پیشنهادات

اولین نیاز قانونی و قضایی کشور، اصلاح ساختار نظام حقوقی در کشور ایران میباشد. مطابق با این پژوهش پیشنهاد میگردد که در مقام تقنین و قانون گذاری، به گونه ای عمل گردد که زمینه به وجود آمدن مجرمین کاهش یافته و نزدیک به صفر گردد. به گونه ای قانونگذاری به عمل آید که مجرمین با عقلانیت کیفری نتوانند جرمی را انجام دهند و در ذهنیت خود برای ارتکاب یک جرم با چالشهای بزرگ و اساسی مواجه باشند. سپس پیشنهاد میگردد که با ورود تکنولوژی به حوزه های جرم شناسی و ابعاد پیشگیری از جرم، زمینه رشد و نمو مجرمین به حداقل ممکن برسد. شاید بتوان بیان نمود که قانون صیانت از کاربران فضای مجازی اگر به درستی اجرا گردد بتواند میزان ارتکاب به جرایم قتلهای خانوادگی را تا میزان قابل توجهی کاهش دهد.

منابع و مأخذ

- ۱- رضایی شورکی، طیبه، ۱۴۰۰، بررسی نحوه اجرای مجازات‌ها جهت پیشگیری از جرم با توجه به ذهنیت محاسبه‌گر مجرمانه در ایران، قانون یار، دوره پنجم، شماره ۱۷.
- ۲- رضایی شورکی، طیبه، ۱۳۹۹، بررسی عقلانیت کیفری مجرمین بر اساس نوع جرم و بزهکاران در نظام حقوقی ایران، مجله تحقیقات حقوق قضایی، دوره اول.
- ۳- الهام، غلامحسین، دانش ناری، حمید رضا، ۱۳۹۳، تاملی بر نظریه‌گزینش حسابگرانه بنیانها و قلمرو، دوفصلنامه علمی تخصصی تحول در علوم انسانی
- ۴- الله وردی، فرهاد، محرابی، علی، ۱۳۹۸، عقلانیت جنایی؛ «محدودیت‌ها و چالش‌ها (با تأکید بر جرائم خشونت‌بار)
- ۵- صادقی فسایی، سهیلا، پروین، ستار، ۱۳۹۰، جرم بر ساخته ذهنیت گفتمان و قدرت، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی
- ۶- حبیب زاده، محمد جعفر، صادقی، ولی الله، ۱۳۹۹، ناهمسویی های قانونی با سیاست کیفرزدایی در ایران
- ۷- جانی پور، کرم، محمدی، مرضیه، ۱۳۹۴، قطعیت اجرای کیفر در حقوق ایران.
- ۸- یاری حاج عطالو، رحیم؛ ۱۳۹۲، سیاستهای جنایی ایرار در برابر جرایم یقه سفیدی با تأکیر بر پیشگیری کیفری، فصلنامه علمی مطالعات بین المللی پلیس، مقاله ۱، دوره ۴، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۹۲، صص ۱۱ تا ۳۴.
- ۹- حبیب زاده مومن، بهنام؛ وروایی، اکبر؛ ۱۳۹۶؛ واکاوی سیاست جنایی ایران در قبال جرایم یقه سفید، فصلنامه علوم اجتماعی شوستر، سال یازدهم، زمستان ۱۳۹۶.
- ۱۰- موسوی مجاب، سید درید، ۱۳۸۳، بزهکاران یقه سفید، فلصنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۳، شماره ۸، پاییز ۱۳۸۳.
- ۱۱- نصیری، مصطفی؛ ۱۳۹۳، ساز و کار کنترل جرایم یقه سفید با تکیه بر الگوهای کیفری و غیر کیفری، فصلنامه علمی پژوهشی کارآگاه، دوره ۷، پاییز ۱۳۹۳.
- ۱۲- صادقی، احمد رضا، مقاله: سیاست جنایی مشترک منطقه‌ای عاملی موثر در پیش‌گیری از جرایم و مواد مخدر، ماهنامه عدالت، شماره ۸۶، سال دوازدهم، ۱۳۸۹.
- ۱۳- مداح، افشین؛ ۱۳۹۸، مکانیسم مبارزه با مفاسد اقتصادی شبکه ای در اقتصاد ایران،

انتشارات برتراندیشان.

۱۴- مداح، افشین، ۱۳۹۹، الف میم و ۱۰۱ دزد حرفه ای، انتشارات جهش یادگیری.

۱۵- مصطفی زاده، فهیم، ۱۳۹۵، تاریخ تحولات حقوق کیفری، ص ۲۳

۱۶- ملک محمدی، حمید رضا، نظریه های جرم شناسی فرانک پی ویلیامز، ۱۳۹۸



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی